متن آزمون مرحله دوم نماز و مشاوره

درس نهم- تشویق دانش آموزان به نماز-15 آبان

بسم الله الرحمن الرحیم

در برنامه های گذشته به تعدادی از ویژگی هایی که می تواند زمینه ایجاد رغبت را در دانش آموزان به نماز فراهم کند ، اشاره شد .

• آشنایی با مفاهیم نماز

• بیان داستان و خاطره

• آسان گیری منطقی

• گفتگو

• پرهیز از رفتار های نا خوشآیند

• همراهی با دوستان خوب

• اصل تکرار و مداومت

• تقویت حس مسئولیت پذیری

• الگو سازی

• ایجاد فضاسازی مناسب در نمازخانه های مدارس و حتی منزل

• ویژگی و نکته بعدی حضور در اماکن مذهبی است

• و .....

در برنامه گذشته به این نکته اشاره شد : برای توجه به نماز ، ایجاد علاقه در دانش آموزان به ارتباط قلبی با خدا می تواند بستر ساز باشد.

از این به بعد می خواهیم راهکار ها را به سمت راهکار های مدیریتی و عملیاتی ببریم تا معلم هم با نظمی کلاس را مدیریت کند و در عین حال به عنوان ابزاری برای کمک کردن به رغبت و علاقمند سازی بچه ها به نماز استفاده کنیم.

اما ویژگی بعدی :

• نقش مربی و معلم می تواند بسیار اثرگذار باشد .

مربی و معلمی که بچه ها به او علاقمند شوند از او بیشتر تبعیت می کنند و از او بیشتر حرف شنوی دارند حتی این قاعده و اصل را در روایات هم می بینیم.

مثلا امام باقر (ع) در یک کلام نورانی فرمودند : حبنا ایمان ( حُبُّنا ایمان) هر که ما را دوست داشته باشد با ایمان است .

شاید به اعتقاد من دلیل این فرمایش امام باقر (ع) این است که وقتی کسی را دوست داریم بیشتر از او تبعیت می کنیم .

و چون اهل بیت (ع) در مسیر ایمان ، کمال ایمان و اوج ایمان هستند وقتی آن ها را دوست داشته باشیم در جای پای آنها قدم می گذاریم و به سمت آنها حرکت می کنیم . لذا هم ایمانمان تقویت و قوی می شود .

پس دوست داشتن می تواند زمینه و بستر رشد انسان و حرکت در مسیر فرد مورد علاقه و الگوپذیری و تبعیت از او را فراهم کند .

لذا وقتی بچه ها مربی و معلمی را دوست دارند و به او علاقمند هستند حرف های او را بیشتر گوش داده و به رفتارهای او بیشتر توجه می کنند .

در اینجا چند راهکار برای زمینه سازی و تقویت روحیه عاطفی دانش آموزان با ما عرضه می شود .

راه های ایجاد محبوبیت مربی و اثرگذاری و عمق بخشی در ترغیب به نماز دانش آموزان :

1- ظاهر مربی و معلم

مخصوصا مربی و معلمانی که در عرصه مسائل دینی و امور مرتبط با قرآن و دین بچه ها سروکار دارند باید حتما ظاهری آراسته و تمیز داشته باشند چون ظاهر تمیز و آراسته زمینه ای برای جذب است وقتی سیره عملی پیامبر مصطفی (ص) را می بینید متوجه می شوید یکی از نکات مورد توجه ایشان ظاهر و شمایل مبارکشان بود (ظاهر آراسته ، پوشیدن لباس تمیز و معطر کردن خود) . این ظاهر آراسته و تمیز زمینه ای برای ارتباط عاطفی بهتر در جهت اثرگذاری بهتر باشد

2- بیان خوب

اگر مربی دارای بیان شیوا ، کلام شیرین باشد بچه ها بیشتر به او علاقه دارند و از صحبت ها و رفتار او بیشتر بهره می برند و تبعیت می کنند . قابل ذکر اینکه خیلی از مواقع بچه ها از رفتارهای ما الگو می گیرند اما الگوی رفتار ، نیازمند پیش زمینه ای است که همان محبوبیت است . پس وقتی مربی خوب و زیبا سخن بگوید محبوبیتش بیشتر است . لذا مربیان به دو نکته در ارتباط کلامی با دانش آموزان توجه کنند .

اول : از الفاظ زیبا استفاده کنند

دوم : لحن خوبی داشته باشند

این لفظ زیبا و لحن زیبا در کنار هم نفوذپذیری را بیشتر می کنند.

3- نداشتن رویکرد انتقادی به دانش آموزان

نباید رویکرد ما رویکرد انتقادی به دانش آموزان باشد البته این به معنای انتقاد نکردن نیست بلکه معلم می تواند انتقاد کند ولی به چند نکته باید توجه داشته باشد .

 الف - نباید دانش آموزان را در حضور دیگران به باد انتقاد گرفت .

 ب- هر وقت خواستیم انتقاد کنیم پیش فرضی را توجه کنیم و آن دیدن خوبی های بچه هاست

.امیرالمومنین (ع) به مالک اشتر فرمودند : ای مالک خوبی ها را ببین تا خوبی ها گسترش یابد .

لذا وقتی مربی می خواهد نقدی (انتقادی) کند ابتدا از بیان خوبی های دانش آموزان شروع کند ، قطعا می تواند اثرگذاری و محبوبیت را بیشتر کند.

4- به نیازهای دانش آموزان در حدی که کلاس و مدرسه اجازه دهد ، توجه داشته باشیم .

مثلا یکی از نیازهای بچه ها نیاز به دیده شدن ،توجه شدن و محبت است .

آنها را ببینیم و توجه کنیم و این ارتباط عاطفی را به دانش آموزان انتقال دهیم، این زمینه ای می شود که اگر فردا به او تذکر به نماز دادیم نماز را بپذیرد.

لذا انسان ها بنده خوبی ها و محبت ها هستند وقتی ما به نیازهای عاطفی و احترام دانش آموزان توجه کنیم زمینه و بستر برای علاقمندی به کلمات و رفتار های ما در دانش آموزان شکل می گیرد.

5- قرار گرفتن دلسوزانه در کنار دانش آموزان

دانش آموزان دلسوزی معلم نسبت به خود را حس می کنند . اگر این حس در دانش آموزان شکل گرفت زمینه تبعیت از نکاتی که معلم می گوید و خواسته هایی که از دانش آموزان دارد هم بیشتر می شود و زمینه بندگی بهتر فراهم خواهد شد .

6- طراحی کردن برنامه های مشترک با بچه ها

مثلا لقمه و میان وعده را در میان بچه ها استفاده کنیم ( جوشش و همراهی با بچه ها )

یا پرداختن در رشته ورزشی و فعالیت ورزشی هنگام بیکاری در کنار بچه ها و دانش آموزان

7- داشتن چهره شاداب

مربی و معلمی که چهره شاداب دارد محبوب تر است

جمع بندی : مربی و معلم در نزد دانش آموزان محبوبیت داشته باشد و از این محبوبیت برای دعوت دانش آموزان به نماز بهره جوید.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*

درس دهم شیوه های تشویق به نماز-18 آبان

نمونه هایی از راهکارهای ایجاد رغبت به نماز در دانش آموزان در برنامه های قبل

- ایجاد امنیت و آرامش روانی در دانش آموزان

- ایجاد حس مسئولیت پذیری

- الگو ارائه دادن

- ایجاد فضای مناسب معنوی و مذهبی

- استفاده از شیوه های درست تشویق و محبت

- برقرار کردن ارتباط قلبی بچه ها با خدا و علاقه مند کردن آنان به این ارتباط قلبی

و همچنین نباید خود مربی و نقش او را نادیده گرفت . قبلا ذکر شد که اگر مربی محبوب بچه ها باشد و بچه ها را به نماز دعوت کند ، آنها می پذیرند.

یک نکته بسیار مهم مربوط به مربیان ، برای فراهم کردن زمینه علاقه مند سازی دانش آموزان به نماز این است که خود به نکاتی که می گوییم هم عامل باشیم (عمل کنیم ) .

کونوا دُعاةً لِلنّاسِ بِغَیر ألسِنَتِکُم ( مردم را با غیر زبان خود دعوت کنید ).

کونوا دعاه للناس بغیر السنتکم ، باید اهل عملیات و انجام کارها به صورت میدانی باشیم که این نکته نقش بسزایی را در تربیت دینی دانش آموزان ایفا کند. ( اگر بحث نماز را به عنوان بحث پراهمیتی بیان می کنیم حتما خود نیز عامل به آن باشیم .)

نقل شده است که : روزی امام رضا (ع) با بزرگان ادیان مختلف مناظره داشتند حرف های زیادی بین امام و حاضران رد و بدل می شد و جمعیت زیادی در آنجا حاضر بودند زمان اذان ظهر امام فرمودند : وقت نماز است یکی از حاضران به نام عمران گفت : سرورم سخنانمان را قطع نکن که دلم آزرده می شود شاید اگر سخنتان را ادامه دهید مسلمان شوم . ولی امام فرمودند که نماز می خوانیم و بر می گردیم ، امام برخاستند و نماز خواندند .

اگر ما امروز هنگام گفتن اذان در صحن حرم امام رضا شاهد علاقه مندی پیر و جوان ، زن و مرد ، کودک و نوجوان به خواندن نماز در اول وقت هستیم وجود مبارک امام معصوم عامل به این موضوع می دانستند .

لذا در محیط های آموزشی بچه ها نباید بین گفتار و کردار ما تعارض ببینند ( معلم سر کلاس می گوید نماز اما اول وقت در دفتر چایی می خورد ) شاید بدترین حالت تربیتی تعارضات و تضادهای در تربیت باشد .

بچه ها بیش از آنکه به حرف ما اهمیت دهند عمل ما را می بینند (به عمل ما توجه می کنند ) و آثار سوء عمل ما روی آن ها اثر منفی می گذارد . معلم وقتی نکته ای را می گوید باید ابتدا خود به آن عمل کند. بچه ها بیشتر به معلم هایی که به پیمان و عهد و حرف های خود عمل می کنند علاقه دارند و از آنها تبعیت می کنند ، این رفتارهای ماست که درعمق وجود بچه ها بیشتر می نشیند.

طبق تعبیر کارشناسان حدود 67% از یادگیری انسان ها از طریق دیدنشان (حس دیداری) است . یعنی بچه ها چیزهایی را که بینند به خاطر می سپرند و یاد می گیرند و در همان راستا عمل می کنند .

لذا معلم و مربی موفق کسی است که به بیان و حرف های خود عمل کند و رفتارهای خوبی داشته باشد پس تاثیرگذاری هم دارد . معلمی که اول وقت نماز می خواند و در نماز جماعت حاضر می شود باعث ترغیب کردن دانش آموزان به اصل نماز می شود .

چه رفتارهایی زمینه ساز عمق بخشی به مسائل تربیت دینی هستند ؟

(نکاتی که این حس را در بچه ها بوجود می آورد که به گفته هایمان عمل می کنیم )

1- خود اهل نماز باشیم .

2- ذکر خاطراتی از نمازها ی خوانده شده یا وقت هایی که برای نماز گذاشته ایم در لابلای صحبت هایمان برای بچه ها داشته باشیم ، چون خاطره در حکم عمل است ، وقتی خاطره ای را بیان می کنیم در اصل عملی را که انجام داده ایم توصیف می کنیم و این بر دانش آموزان اثر مثبت می گذارد .

3- جلب کردن توجه دانش آموزان به مربی و معلم و افرادی که به نماز اهمیت می دهند که این زمینه ای برای یادگیری عمیق در دانش آموزان است .

4- فراهم کردن زمینه برای به جا آوردن نماز و عبادت در محل هایی که بچه ها ببینند . (نماز را می توان در دفتر خصوصی خواند اما در نمازخانه خوانده شود هم برای رضای خداست هم اثر بیشتری دارد و بچه ها اثر بیشتری می پذیرند.) با دیدن نماز اول وقت مدیر و معلم و آموزگار در محیط عمومی ترغیب به نماز در آنها بیشتر می شود .

5- فراهم کردن زمینه یا تشویقی که سایر همکاران به همراه ما نماز بخوانند .

این تصور ذهنی در میان دانش آموزان وجود دارد که مربی پرورشی و معلم قرآن باید نمازش را بخواند اما اگر سایرین مثل معلم فیزیک ، علوم ، مثلثات ، شیمی ... در کنار معلم قرآن نماز بخوانند اثر پذیری عملی آن بیشتر خواهد شد .

پس ما باید بچه ها را با رفتارهایمان دعوت کنیم ، نه تنها رفتار خودمان بلکه رفتار دیگران هم اثرگذار است .

یکی از راه های دیگر تاثیرگذاری عمیق رفتارهای مربیان ، تکریم و حفظ شخصیت دانش آموزان است .

وقتی شخصیت دانش آموزی را حفظ می کنید او را به طرف خود جذب می کنید .

برای حفظ شخصیت یک دانش آموز :

1- باید او را زیبا خطاب کرد .

2- عیب ها و اشکالاتش را در حضور دیگران بیان نکنیم .

3- فراهم کردن زمینه ای که گاهی معلم به احترام دانش آموزان بایستد . (وقتی معلم وارد می شود دانش آموزان برپا می گویند و می ایستند در مقابل این احترام معلم نیز گاهی به احترام آنان بایستد ) که قطعا این چنین معلمی می تواند اثرات عمیق و بهتری را روی دانش آموزانش داشته باشد .

4- یکی از شیوه های تکریم دانش آموزان تعریف از ویژگی های مثبت آنان در حضور دیگران است (مثلا در نزد پدر و مادرشان )

بعد از تکریم شخصیت اگر او را به نماز دعوت کنیم قطعا پذیرش او نسبت به نماز بیشتر خواهد شد .

جمع بندی

با توجه به این که مربی و معلم نقش موثری برای ترغیب به نماز دارد دو نکته مهم را باید در نظر بگیریم

الف) خود عامل به آنچه می گوییم باشیم

ب) فراهم کردن زمینه ای برای مورد تکریم و احترام قرار دادن دانش آموزان از طرف معلمان و مربیان

با این احترام و تکریم اگر به نماز دعوت شوند او می پذیرد.

\*\*\*\*\*\*\*

شیوه های تشویق به نماز-درس یازدهم22 آبان

یادآوری چند نکته از نقش مربی و معلم در ترغیب به نماز

1- مربی باید محبوب باشد

2- مربی باید به حرف هایی که می زند عمل کند.

3- مربی باید دانش آموزان را تکریم کند .

اما نکته چهارم در این برنامه :

4- مربی موفق و اثرگذار مربی است که حائز مجموعه ای از ویژگی ها هم باشد به عنوان مربی و معلم ویژگی هایی را در خود تقویت کنیم که زمینه ای شود برای اثرگذاری بیشتر بر دانش آموزان و وقتی به او بگوییم نماز ، بگوید چشم (اطاعت کند. )

ویژگی هایی که شخصیت معلم را تقویت و اثرگذار می کند .

✔️ ویژگی اول :

مربی و معلم باید قاطعیت مثبت داشته باشد معلم های منفعل و با قدرت تصمیم گیری ضعیف از طرف بچه ها مورد سوء استفاده قرار می گیرند و جایگاه حقیقی یک معلم را نمی توانند داشته باشند قاطعیت مثبت به معنای این است که معلم نباید مستبدانه رفتار کند اما باید اندیشمندانه عمل کند وقتی می خواهد کاری را انجام دهد یا فرمانی را در کلاس صادر کند تمام جوانب آن را بسنجد در اصل به معنای ارتباط برقرار کردن منطقی است.

 ✔️ ویژگی دوم :

نباید معلم زیاد شوخی بکند چون شوخی های زیاد ارزش معلم را پایین می آورد . البته گاهی اوقات خنداندن و مزاح کردن خیلی خوب است آقای قرائتی می فرمودند گاهی اوقات وقتی بچه ها یا مخاطبی را می خندانیم مثل تکان دادن گونی گردو است مطلب جا باز می کند و راحت تر در عمق وجود فرد می نشیند وقتی می گوییم زیاد شوخی نکنیم به منزله این نیست که اصلا مزاحی نکنیم شوخی به اندازه در واقع نمک رفتار انسان و کلاس درس است اما مراقب باشیم که شور نشود .

 ✔️ ویژگی سوم :

نکته سوم بحث تبسم داشتن است .

یکی از ویژگی مربی داشتن تبسم است حتی اگر غم و غصه یا مشکلات درونی داشته باشد باید برای دانش آموزان چهره شاداب داشته باشد .

✔️ ویژگی چهارم :

مربی باید نرم و ملایم سخن بگوید . با سخن های خشن ( جیغ و داد و فریاد زدن سر کلاس ) ممکن است که معلم بتواند کلاس را موقتا اداره و کنترل کند قطعا در دراز مدت اثرات سوء می گذارد و یکی از اثرات سوء آن این است که بچه ها را از انسان دور می کند و از مربی و معلم می ترساند ولی کلام نرم و ملایم زمینه ای را فراهم می کند که انسان بتواند اثرگذار باشد .

کلام را هیچوقت نادیده نگیریم چون خیلی قدرتمند است اینکه امیرالمومنین (ع) می فرماید تاثیر کلام از شمشیر بیشتر است دقیقا به این امر اشاره دارد .

 ✔️ ویژگی پنجم :

مربی شنونده خوبی باشد طبق پژوهش های اخیر معلمینی که حرف های بچه ها را بهتر می شنوند بیشتر مورد اعتماد دانش آموزان قرار می گیرند و مربی مورد اعتماد اثرگذاری بیشتری دارد .

✔️ ویژگی ششم :

مربی باید از بچه ها صادقانه تعریف کند ، بچه ها نیاز به تعریف و تمجید دارند وقتی معلم صادقانه از دانش آموز تعریف و تمجید کند ، اثرات خوبی روی او دارد .

بچه ها خود را خوب می شناسند و رفتارهای خود را خوب می دانند که چگونه است و وقتی معلم بی جا و غیر صادقانه از او تعریف کند ، دانش آموز این عمل را نوعی چاپلوسی یا سادگی معلم تصور می کند .که منجر به نزدیک شدن او به ما نمی شود .

✔️ ویژگی هفتم :

مربی مشوق دانش آموز در کارها ، درس خواندن و فعالیت های فرهنگی و ورزشی باشد ، که باعث می شود علاقه مندی آن ها به ما بیشتر شود (مثال : گاهی متوجه قدرتمند بودن دانش آموز در خط می شویم به عنوان معلم قرآن بگوییم خط شما زیباست آفرین بر شما ،این جمله در عین سادگی روی دانش آموز اثر عمیق و به یادماندنی را می گذارد و هیچوقت از ذهن او فراموش نشود).

✔️ ویژگی هشتم :

ضمن دیدن خوبی های دانش آموز فضای امن و آرامی را برای او ایجاد کنیم (اگر دانش آموز متوجه داشتن کلاس با من شد و بر گشت و گفت آخ جون با فلانی کلاس داریم ! نشان دهنده ی این است که در کلاس ما امنیت روحی روانی دارد ولی اگر برعکس از کلاس ما فراری بود و رغبتی به حضور در کلاس نداشت نگران کننده است و باعث می شود اثرات تربیتی کمتری روی او بگذاریم .) پس زمینه ای را فراهم کنیم که آرامش را در کنار ما تجربه کند و داشته باشد و از این آرامش در کنار ما لذت هم ببرد .

✔️ ویژگی نهم :

معلم باید از دانش آموزش به خاطر کارهای خوب و کمک کاری های در کلاس قدرشناسی کند ، انسان های قدرشناس محبوب تر و مقبول تر و اثرگذارتر هستند . ( به خاطر دیر آوردن تخته پاک کن اورا سرزنش نکنیم بلکه به خاطر کار خوب آوردن تخته پاک کن قدردانی کنیم ). قدر شناسی در رفتار و عمل خوب او زمینه ای را فراهم می کند او به ما نزدیک شود و این با نزدیکی اثرات بهتر و بیشتری را روی او بگذاریم .

✔️ نکته دهم و آخر:

دانش آموزان گاهی اوقات نیاز به درک شدن دارند ، باید همان جوری که هستند آنها را بپذیریم . برخی در توانایی ها با هم تفاوت دارند (توانایی های برخی پایین تر است ) معلم و مربی اگر به تفاوت های فردی دانش آموزان توجه کند مقبول تر است و معلم باید رفتارش را بر اساس توانمندی دانش آموز تنظیم و بیان کند و این زمینه مقبولیت بهتر و بیشتر را فراهم می کند .

این شاخصه های بیان شده زمینه داشتن اثرات بیشتر روی دانش آموزان را فراهم می کند که یکی از اثرات محوری ، ترغیب دانش آموزان به نماز است . شخصیت مقبول تر معلم اثرات بهتر و زیباتری دارد .

\*\*\*\*\*\*

شیوه های تشویق به نماز-درس دوازدهم 25 آبان

خلاصه جلسه گذشته :

شاخصه ها و راهکارهایی برای معلم و مربی که در ترغیب به نماز نقش محوری دارد.

- معلم و مربی با دانش آموزان ارتباط خوبی برقرار کند ( محبوب بچه ها باشد ).

- معلم و مربی شخصیت قابل پذیرشی ( قابل قبول ) داشته باشد .

بحث امروز :

 اگر بخواهیم دانش آموزانی داشته باشیم که علاقه مند به نماز باشند باید اراده آنها را تقویت کنیم ، زیرا یکی از پیش فرض هایی که باید در فرد وجود داشته باشد تا توجه اش به این عبادت الهی (نماز ) افزایش یابد تقویت و وجود اراده است .

راهکارهای زمینه سازی تقویت اراده در دانش آموزان

1- ایفا کردن نقش در زمینه ارتباط مثبت دانش آموزان با یکدیگر :

بچه هایی که می توانند ارتباط مثبت با دیگران برقرار کنند اراده شان قوی تر می شود چون ارتباط مثبت زمینه افزایش اعتماد به نفس را فراهم می آورد . به عنوان معلم و مربی زمینه ای را فراهم کنیم تا دانش آموزان ارتباط خوب و مثبتی باهم داشته باشند . ( در قالب بازی ، ورزش ، بحث علمی ، مسابقه علمی یا هنری گروه بندی شوند و در گروه ها حضور فعال و مشارکت جدی داشته باشند ) .

2- بیان الگوهایی از زندگی بزرگان برای دانش آموزان :

بزرگانی که دارای اراده های خوبی بوده اند و چون بچه ها از شخصیت داستان ها و قصه ها و سرگذشت ها همزاد پنداری می کنند ما می توانیم با بیان داستان و سرگذشت و زندگی نامه بزرگان زمینه الگوبرداری آنها را فراهم کنیم . اگر شخصیتی که در باره او صحبت می کنیم با اراده قوی باشد به تدریج اراده فرزندان ما تقویت خواهد شد .

3- فراهم کردن زمینه ای برای به اتمام رساندن کارهایی که بچه ها می خواهند انجام دهند . زیرا به اتمام رساندن کارها موجب تقویت اراده خواهد شد که در اینجا معلم ضمن مفید بودن می تواند نقش آفرینی کند .

نقش معلم نقشی پیامبر گونه است و لذا یک معلم زیرک و توانمند و خلاق می تواند دانش آموزان خوبی را در حیطه های مختلف مخصوصا عبادی تربیت کند .

معلم و مربی نباید خودش را دست کم بگیرد و می تواند نقش آفرین باشد . اگر می گوییم معلم زمینه ارتباط مثبت را فراهم کند و یا از بزرگان سرگذشتی را نقل کند و یا زمینه ای را فراهم کند تا کارهایشان را به اتمام برسانند همه در مسیر نقش آفرینی معلم است .

4- ایجاد روحیه مثبت اندیشی ، نگاه مثبت به خود و دیگران و اطرافیان و جامعه

خداوند در سوره حجرات به این نگاه مثبت اشاره می کند .

ان بعض الظن اثم ( زیرا برخی از گمان ها گناه است )

که اگر این نگاه مثبت وجود نداشته باشد و انسان بدنگاه و بدبین و بدگمان باشد مرتکب گناه شده است .

لذا زمینه ای فراهم کنیم که دانش آموزانمان در مسیر نگاه مثبت به دیگران ، زندگی و توانمندی های خودشان باشند که قطعا در آینده اراده خوبی را برای خود رقم خواهند زد .

5- رفاقت و دوستی با افرادی که اراده خوبی دارند .

معلم باید بستری فراهم کند تا دانش آموزان با افرادی مرتبط شوند که دارای اراده قوی هستند ( مثلا افرادی که نماز اول وقت می خوانند و یا دانش آموزانی که طبق قرار باهم چند صفحه قرآن می خوانند بر عهد و پیمان خود مقید هستند ، اگر زمینه ای فراهم کنیم تا با این افراد مرتبط شوند قطعا اثر می پذیرند ).

بنابر روایتی از رسول اکرم (ص) انسان ها بر منش همنشینان خود هستند

المرء علی دین خلیله و قرینه ( انسان به دین دوست و همنشین خویش است ).

6- نظم و منظم بودن و کارها را در زمان خود انجام دادن

اگر بستری فراهم کنیم تا دانش آموزان به سمت نظم سوق داده شوند و برای فراهم کردن بستر گاهی از خانواده هایشان کمک بگیریم اراده آنان تقویت می شود . این اراده مقدمه ای است برای نماز و گرایش به نماز و به بندگی

7- نگذاریم که بچه ها به صورت افراطی به دنبال تامین نیازهای مادی خود باشند ،

زیرا اراده بچه هایی که خانواده هایشان راحت نیازهای مادی شان را تامین می کنند ، ضعیف می شود . (مثال : هنگام رانندگی بچه تشنه است پدر صبر و تحمل ده دقیقه ای تا رسیدن به منزل را از او می خواهد اما مادر مخالفت می کند و می گوید مگر شمری و اینجا صحرای کربلاست ، سریع آب تهیه کن - این اتفاق باعث ضعیف شدن اراده بچه خواهد شد می توانست ده دقیقه صبر و تحمل کند اما این امکان را به او ندادیم و مشکلات بعدی را ایجاد می کنیم ، بعدا با کوچکترین بی حالی و مریضی و کسالت از نمازش دور می شود و دوست ندارد به سمت نماز سوق پیدا کند . پس به عنوان یک اصل از افراط در تامین نیاز بچه ها جلوگیری کنیم هم خود رعایت کنیم هم به اطلاع خانواده ها برسانیم.

8- خودباوری دانش آموزان

دانش آموزانی که خودباوری بیشتر و بهتری دارند قطعا اراده ی بهتری خواهند داشت .

برای گرایش به نماز در بچه ها باید بعضی از زیر ساخت ها را در آنها شکل داد. یکی از این زیر ساخت ها اراده است که بخشی از راهکارهای تقویت اراده را معلم در محیط مدرسه و بخشی را والدین در محیط منزل می توانند ایجاد کنند .

\*\*\*\*\*\*\*

شیوه های تشویق به نماز-درس سیزدهم29 آبان

بسم الله الرحمن الرحیم

باید در دانش آموزانی که موفق هستند و تربیت عبادی می شوند و به نماز گرایش دارند ، زیرساخت هایی شکل گیرد و بوجود آید .

یکی از این زیرساخت ها تقویت اراده است ، اگر اراده قوی شود در مسیر بندگی خدا بهتر قدم برمی دارند .

راهکارهای تقویت اراده در دانش آموزان:

• ارتباط مثبت با دیگران

• بیان سرگذشت بزرگانی که اراده قوی دارند.

• فراهم کردن زمینه برای به اتمام رساندن کارهایشان

• مثبت اندیش بودن دانش آموزان

• ارتباط با افراد با اراده

• در تامین نیازهایشان افراط نکنیم

• منظم باشند (نظم داشته باشند )

• خودباوری

و اما راهکارهایی که در این جلسه جهت تقویت اراده ارائه می شود

• یکی از راهکارهایی که بستر را برای تقویت اراده فراهم می کند ، تحمل مشکلات است :

البته راه حل آن را نیز باید به آنها بگوییم تا ضمن مواجه شدن با مشکلات قدرت حل مسئله در دانش آموزان تقویت شود .

بچه هایی که تحملشان در برابر مشکلات افزایش می یابد ناخودآگاه ارده آنان نیز تقویت می شود ، پس نباید از مواجه شدن بچه ها با مشکلات بترسیم فقط باید توجه داشت که راهکارهای برون رفت از مشکلات را هم متناسب با سن به آنها انتقال دهیم .

• راهکار دیگر پیگیری کارها تا وصول نتیجه است :

دانش آموزانی که کارهایشان را پیگیری می کنند و به نتیجه می رسانند به معنای طی کردن پله های موفقیت و رشد و تقویت اراده است . زیرا افرادی که هرکاری را با موفقیت پشت سر می گذارند در اصل اراده آنان به واسطه این امر قوی می شود .

• راهکار دیگر تلقین به خود است :

گاهی باید به دانش آموزان گفته شود که جملاتی مثل : من می توانم ، من توانایی اش را دارم ، من قدرت حل این مشکل و مسئله را دارم ، زیاد به خودشان بگویند .

برخی از کارشناسان معتقدند تلقینی که انسان به خود می کند اثری 17 (هفده )برابر اثر تلقین دیگران دارد . (من اگر به خود بگویم نمی توانم باید 17 نفر به من بگویند تو می توانی تا تلقین به خود بی اثر شود ) .

پس بچه هایی که یاد گرفته اند به خود القا کنند (تلقین کنند ) که می توانند انسان های موفق و با اراده ای باشند قطعا در تقویت اراده آنان موثر است

• تعیین هدف :

افرادی که در زندگیشان هدف هایی را تعیین می کنند و برای رسیدن به آن اهداف تلاش می کنند می توانند انسان های با اراده ای باشند . پس دانش آموزان را به سمتی ببریم که هدف هایی را داشته باشند (هدف در زندگی ، در تحصیل ، یا حتی هدف در فعالیت ورزشی یا فرهنگی ) این اهداف سبب رشد آنان خواهد شد .

• شناسایی توانایی های بچه ها :

مربی باید بستری فراهم کند که دانش آموز بتواند توانایی خودش را بشناسد و بکار گیرد ، معلم مانند طبیب باید عمل کند .

طبق دعای شریف و عزیز طبیب دوار بطبه معلمین بشر که اهل بیت (ع) هستند طبیبانی هستند که دور بیمارشان می چرخند بیماری آنان را تشخیص می دهند و درمان می کنند .

(البته این سخن از حضرت علی (ع) در باره پیامبر اسلام است که فرموده است : طبیب دوار بطبه « او پزشک بیماری جهل و طبیب اخلاق نکوهیده و پست است » ).

گاهی باید مربی با چرخیدن دور بچه ها در باره آنها فکر کند تا توانایی های آنان را شناسایی کند و زمینه و بستر بکارگیری آن توانایی ها را فراهم کند .

• امید داشتن :

انسان هایی که به موفقیت و آینده امید دارند و اینکه انسان های موفق و اثرگذاری باشند به خودی خود این امید زمینه ای را فراهم می کند تا اراده دانش آموز تقویت شود . آینده دانش آموزان با این اراده رقم می خورد برای موفقیت در شغل و تحصیل باید اراده خوبی داشت .

• راهکار بعدی برای تقویت اراده فعالیت های مناسب است .

افرادی که فعالیت یا حضور مستمر در محیط های خوب مثل مساجد دارند یا در هیئت های مذهبی برنامه ریزی می کنند ( یا در ورزش صبحگاهی ) و به طور کلی برنامه هایی دارند که منجر به فعالیت های خوب بشود قطعا می توانند انسان های موفقی باشند . و خصوصا بعدا اگر وارد فضای عبادی شوند به آن عبادت عشق بورزند و در انجام آن استوار و پیگیر باشند و درآن مسیر موفقیت هم کسب کنند .

• فرد سعی کند روی امور مختلف تمرکز و توجه اش را افزایش دهد .

مربی باید فضایی ایجاد کند که دانش آموز با تمرکز و توجه بهتری کارهایش را انجام دهد مثلا یک صفحه از قرآن را با تمرکز و توجه قرائت کند .

افرادی که کارهایشان را نیمه کاره رها می کنند و به اتمام نمی رسانند دچار ضعف اراده می شوند و این ضعف اراده ممکن است در آینده روی تربیت عبادی آنها اثر نامطلوب و منفی بگذارد .

جمع بندی:

برای داشتن عبادت خوب باید اراده خوبی داشت که این اراده بستری است برای تربیت عبادی بچه ها .

بخشی از راهکارهای تقویت اراده که ارائه شد را مربی باید به کار ببندد و بخشی را به سمت والدین هدایت کند .

\*\*\*\*\*\*\*\*

درس چهاردهم – تشویق دانش آموزان به نماز

در جلسات گذشته راه کارهای ایجاد انگیزه و علاقه به نماز در فرزندان مطرح شده است و ویژگی های معلم و مربی اثرگذار بر روی دانش آموزان بیان شد و بیان کردیم که برخی زیر ساختهای تربیتی نیز بایستی در دانش آموزان شکل گیرد تا بستر برای علاقه مندی به عبادت در آنها پدید آید .

یکی از زیر ساخت های مهم اراده بود و راهکارهایی برای تقویت اراده نیز بیان شد

آیا علل و عواملی وجود دارد که باعث تضعیف اراده دانش آموزان شود ؟ بله

علل تضعیف اراده :

1) شکست :

دانش آموزانی که دائم در معرض ناموفقیت ها و شکست ها قرار گیرند ، خصوصا شکست های زنجیره ای .

ممکن است دانش آموزی امروز در درسی نتواند سوالی را خوب پاسخ دهد و ماه بعد در درس دیگر ولی در این بین موفقیت ها یی دارد منظور این دانش آموزان نمی باشند .

بلکه منظور کسانی هستند که به صورت مداوم هر روز شکست هایی را تجربه می کنند .

لذا باید به اندازه توانایی بچه ها از آنها انتظار داشت و حتی بسترهایی را فراهم کنیم تا آنها توانایی هایشان را به صورت مثبت به کار گیرند و این بکار گیری مثبت توانایی ها منجر به موفقیت شود .

2) خستگی :

بچه هایی که خستگی مداوم و مثبت دارند منجر به ضعف اراده در آنها می شود و حتی در آینده ممکن است منجر به بروز مشکلاتی در آنها شود . لذا باید بستر فراهم شود تا بچه ها به موقع استراحت کنند خواب کافی داشته باشند و بهتر است این توصیه ها در دیدار با والدین نیز مطرح شود

گاهی برخی از والدین می گویند بچه ها برای نماز صبح سخت بیدار می شوند . دلیل این است که اراده اش ضعیف است و دلیل ضعف اراده اش هم این است که خستگی و خواب بر او غلبه کرده است .

3) عدم علاقه دانش آموزان برای دستیابی به اهداف :

دانش آموزی که نسبت به تحصیل بی انگیزه است ، نسبت به ورزش بی هدف است یا نسبت به کارهای علمی علاقه نشان نمی دهد . این عدم علاقه ها منجر به ضعف اراده هم خواهد شد.

به این نکته باید توجه شود بچه هایی موفق هستند که اهداف خوبی برایشان تعیین شود و آنها هم برای رسیدن به اهداف تلاش خوبی داشته باشند.

4) محیط های نامناسب :

وقتی دانش آموزان در محیط هایی باشند که جملاتی مانند( نمی توانی ، نمی شود ، بلد نیستی ) را زیاد بشنود. این محیط ، محیط نامناسب است و بستر را برای ضعف اراده فراهم می کند این ضعف اراده منجر خواهد شد که بچه ها بعد ها نسبت به عبادت نیز قدرت اجرایی لازم را نداشته باشند .

لذا بچه ها باید در محیط خانه ، مدرسه و محیط های پیرامونی ، محیط های خوبی باشد تا از آن اثر بپذیرند .

محیط های سالم، پر انگیزه ، با نشاط و شاداب می تواند محیط های مناسب باشد و درعین حال یک فاکتور مهم را هم باید درنظر بگیریم که یکی از شاخص های محیط های نامناسب ، محیط هایی است که در انها آلودگی گناه وجود دارد .

و یکی از شاخص های محیط مناسب این است که در محیط روح معنویت حاکم است و محیطی است که اهل آن نماز می خوانند ، تلاوت قرآن دارند . در این محیط اثرپذیری بچه ها برای تقویت اراده هم بیشتر خواهد شد.

پرهیز از محیط های نامناسب زمینه ای برای قوت و قدرت در اراده و حضور در محیط های نامناسب یکی از علل عمده ضعف اراده است

5) در معرض لذت جویی ها قرار دادن دانش آموزان :

یعنی دائم بیان شود که اگر این کار را بکنی لذت می بری ، این غذا را بخوری خیلی خوشمزه است و ....

بچه هایی که دائم در معرض لذت جویی ها قرار می گیرند منجر به ضعف اراده می شود . لذا اگر دانش آموز با اراده و قوی می خواهیم باید همه چیز را جهت دهی صحیح کنیم حتی خوردن را .

در روایات داریم که : غذا بخورید برای قوت گرفتن نه لذت بردن ( لقوه لا لشهوه) ، ورزش بکنید برای اینکه بدنتان سالم بماند نه برای اینکه لذت ببرید.

گاهی اوقات دلیل اینکه بچه ها از برخی کارها فاصله می گیرند این است که می خواهیم این کارها را لذت آمیخته کنیم ولی او ورود پیدا می کند و می بیند که لذتی از آن کار نمی برد.

بنابراین کسانی که بیشتر در معرض لذت جویی قرار دارند زمینه ای برای ضعف اراده در انها فراهم می شود .

6) ضعف جسمانی :

بچه هایی که زود به زود بیمار می شوند و بنیه ضعیفی دارند قطعا اراده شان نیز به تدریج ضعیف می شود. بنابراین اگر بخواهیم دانش آموزانی با اراده قوی داشته باشیم باید جسم سالمی داشته باشند .

به فرمایش معصوم : " عقل سالم در بدن سالم " و یکی از شاخصه های بدن سالم نیز قدرت جسمانی فرد است .

لذا بسترهایی فراهم کنیم که فرزندانمان بتوانند به فعالیت های بدنی خوبی بپردازند و این فعالیت های بدنی منجر به قدرت اراده آنها نیز می شود این قدرت اراده برای رغبت بیشتر به بندگی و عبادت زمینه سازی می کند.

7) گرایش بیش از اندازه به موسیقی :

امام خمینی تعبیری دارند که بیشتر از هر چیز گوش کردن بیش از اندازه به موسیقی سبب می شود که اراده و عزم انسان کم شود .

بندگی نیاز به این دارد که انسان با هوای نفس و شیطان مبارزه کند و فردی می تواند بهتر مبارزه کند و پیروز این میدان باشد که اراده قوی داشته باشد پس باید از عواملی که منجر به ضعف اراده می شود حتما دوری کند

8) استفاده بیش از اندازه از رسانه ها :

افرادی که از رسانه های تصویری زیاد استفاده می کنند در شبکه های اجتماعی ، بازی های کامپیوتری ، بستری برای ضعف اراده شان فراهم می شود.

لذا باید به دانش آموزان این آگاهی داده شود و سواد رسانه ای را در آنها تقویت کنیم تا منجر به تقویت اراده شود و آن اراده برای بندگی بهتر خدا بسترسازی کند.

جمع بندی مطالب :

برای اینکه بچه ها عزم و اراده برای نماز و عبادت داشته باشند باید عواملی که باعث تضعیف عزم و اراده می شود را بشناسیم و مرتفع کنیم .

\*\*\*\*\*\*\*\*

درس پانزدهم- تشویق به نماز

بنا داریم برخی از موانع و علل عدم گرایش به نماز را در دانش آموزان بیان کنیم . اذا تصمیم داریم در سه بخش

• اجتماعی

• خانوادگی

• فردی

این موضوع را بررسی کنیم و راهکارهایی ارائه دهیم

1- اجتماعی :

 مهمترین این عوامل اجتماعی است . چون انسان یک موجود اجتماعی است و خصوصا دانش آموزان بسیار زیاد تحت تاثیر محیط های اجتماعی ، گروه های همسالان قرار می گیرند بنابراین اگر ما توجه به محیط اجتماعی فرزندان و دانش آموزان نداشته باشیم . ممکن است زمینه برای آسیب دیدن تربیتی در آنها فراهم شود خصوصا در بحث نماز .

1) اولین نکته عوامل اجتماعی بحث محیط و اجتماع است . همانطور که می دانید انسان موجودی اجتماعی است که در کنار دیگران و در یک جامعه انسانی زندگی می کند لذا در اثر برخوردهای اجتماعی و ارتباط های اجتماعی که به وجود می آید اثر پذیری های مثبت یا منفی اتفاق می افتد بنابراین اگر فرزندان و دانش آموزان در محیطی باشند که از لحاظ اجتماعی افرادی که در آن محیط قرار دارند نسبت به نماز بی توجه باشند قطعا حضور او در آن محیط آسیب هایی را در حوزه توجه به نماز در او ایجاد کند

ما باید مدیریت کنیم به این صورت که فرزندانمان را وارد محیط هایی کنیم که و ارتباط با محیط هایی داشته باشند که محیط های امن تربیتی باشند . یعنی بچه ها وارد محیطی شوند که کسانی که در آن محیط قرار دارند به اصول دینی پایبندی داشته باشند خصوصا مساله نماز

2) دومین محیط اجتماعی که بچه ها ارتباط دارند مدرسه است مدرسه خانه دوم بچه هاست و از طرفی چون دانش اموزان بخش زیادی از زمان خود را در مدرسه با دوستان و همسلان خود می گذرانند بنابراین در شکل دهی شخصیت آنها می تواند اثر مثبت یا منفی داشته باشند

توجه به این نکته که همسالان ، دوستان ، همکلاسی هایی که بچه ها با انها ارتباط دارند اهل نماز باشند تاثیر عبادی روی فرزندان و دانش آموزان می گذارنند نمی توان چشم پوشی کرد . اگر در آن محیط دانش آموزانی باشند که ارتباطشان با فرزند ما به شکلی باشد که ارتباط عمیقی وجود داشته باشد و اهل نماز نباشد قطعا روی فرزند ما نیز اثر خواهد گذاشت .

3) نکته سوم تهاجم فرهنگی

یکی دیگر از عوامل زمینه ساز نمازگریزی ، تاثیر پذیری دانش اموزان ، نوجوانان ، جوانان از پدیده های فرهنگی به انها می رسد . امروزه دشمنان با ترویج فرهنگ ضد دینی در تلاشند تا جوامع بشری خصوصا نسل نو ، دانش آموزان و جوانان ما را از فضایل انسانی خالی کنند و آنها به سمت رفتارهایی که در شان یک انسان نیست گرایش دهند . لذا از طرق مختلف مانند شبکه های اجتماعی و مجازی ، در قالب کتاب های مضری که ممکن است آسیب برساند تهاجم را روی دانش اموزان ما القا می کنند. بنابراین پایه های دینی و اعتقادی و مذهبی و دین باوری وقتی شکل می گیرد که ما به محصولات فرهنگی که در اختیار فرزندانمان قرار می دهیم توجه داشته باشیم

محصولاتی که در اختیارشان قرار می گیرد باید حتما گرایش به دین ، گرایش به باور های اعتقادی ، گرایش به ایمان به خدا را در فرزندان تقویت کند .

4) همنشین ، دوستان و معاشران فرزندان

می توانند در عرصه کم کاری دینی ، خصوصا عدم گرایش به نماز می تواند موثر باشد.

به این مورد هم باید توجه شود خصوصا مربی و معلم اگر بتواند در محیط مدرسه زمینه ای را فراهم کند که بچه هایی که از لحاظ عبادی ، مذهبی ، دینی و توجه به نماز قوی تر هستند بیشتر در کانون توجه سایر دانش آموزان قرار گیرند و به نوعی زمینه ای جهت ارتباط سایر دانش آموزان با انها فراهم شود . و این می تواند جهت تقویت روحیه ایجاد به نماز و ترغیب دانش اموزان به نماز کمک حال مربیان باشد و گاهی اوقات باید به دانش آموزانی که اهل نمازند میدان داد و از طرف مقابل باید مراقب باشیم که دانش آموزانی که توجه به نماز ندارند و به این مشهور هستند خیلی برجسته نشوند اگر این برجستگی اتفاق افتد قطعا تعدادی از دانش آموزان به این گروه گرایش پیدا می کنند و زمینه ایجاد یک آسیب در سایر دانش آموزان فراهم می شود .

5) عدم ارائه الگوهای عملی در اجتماع :

این مورد هم می تواند باعث کاهش گرایش به نماز و عدم ترغیب فرزندان و دانش آموزان به نماز شود

اگر بخواهیم دانش آموزان ما اهل نماز باشد حتما باید در فضاهای عمومی اجتماع الگوهای عملی مناسب را در معرض نگاه آنها قرار دهیم . و افرادی که در رشته های هنری ، رشته های ورزشی ، رشته های علمی موفقیت هایی را کسب کرده اند و توجه آنها به نماز هم خوب است در معرض و منظر نگاه بچه ها قرار دهیم که توجه و نگاه به الگوهای عملی می تواند تاثیر پذیر باشد .

در مسائل تربیتی هم داریم که الگوهای عملی از گفتار ما تاثیر بیشتری دارد. بنابراین اگر فردی را به دانش اموزان ارائه دهیم و نشان دهیم که اهل نمازند و در سایر موارد هم انسان های موفقی محسوب می شوند قطعا تاثیر بسزایی در گرایش و ترغیب دانش اموزان به نماز ایجاد می کند

اگر این 5 نکته را به سمت مثبت سوق دهیم تاثیرات مثبتی را در گرایش بچه ها به نماز ایجاد می کند .

درس نهم مشاوره - از منظر قرآن کریم-15 آبان ماه

بسم‌الله الرحمن الرحیم

در جلسه گذشت آیه 233 از سوره‌ی شریفه‌ی بقره که پیرامون مشاوره تغذیه کودک بود را دنبال نمودیم. آیه مذکور به این صورت آغاز شده:

وَالْوالِداتُ يُرْضِعْنَ أَوْلادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كامِلَيْنِ لِمَنْ أَرادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ

(والوالدات یرضعن اولادهن حولین کاملین لمن اراد ان یتم الرضاعه و علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف)

«و مادران اولاد خودشان را دو سال تمام شير دهند، براى آن كه بخواهد تمام شير دهد و روزى و جامه مادران به اندازه معروف بر كسانى است كه فرزند براى آن‏ها زاييده شده است»

مادران 2 سال کامل فرزندانشان را شیر می دهند و پدران نیز در ازای زحمتی که مادران (همسرشان) برای فرزندانشان می کند، وظیفه دارند مواردی چون پوشاک، تغذیه و نظام زندگی مادر را اداره کنند که این اداره کردن طبق عبارت شریفه‌ی: بالمعروف، باید با شایستگی صورت پذیرد. (در قبال شیر دادن مادر به فرزند بالمعروف و به شایستگی، پدر نیز تمام شرایط را چه مادی و چه زیست مانی به شایستگی تمام برای همسر خود فراهم آورد)

عبارت شریفه بالمعروف دو مطلب و نکته ی مهم را می رساند:

1) شرایطی که پدر برای مادر جهت شیر دادن به فرزند فراهم می آورد، از نظر ماهیت و کیفیت خود تغذیه کامل و تامین کننده باشد.

2) شیوه ارسال و تحویل خدماتی که پدر جهت شیر دادن مادر به فرزند باید از متدولوژی و روش مناسب عاطفی برخوردار باشد و به هیچ عنوان همراه با منت صورت نگیرد.

همانگونه که در قرآن کریم داریم: منت و اذیت، صداقت را باطل می کند.

لا تُبْطِلُوا صَدَقاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذى..

(لا تبطلوا صدقاتکم بالمن و الاذی)

«اى کسانى که ایمان آورده اید، صدقه هاى خود را با منّت نهادن و آزار رساندن تباه نکنید»،

در این آیه صدقات به معنای تمام خیرات است: (نه فقط صدقه ای که در صندوق صدقات خیر می شود)

نکته: هر کار و چیز خوب و خیر و نیک، صدقه می باشد

پس با توجه به آیه 233 سوره بقره، خور و خوراک و پوش و پوشاک مادر بر عهده پدر می باشد

البته در این بین مادر نیز حقی داشته می تواند حق الرضای خود (هزینه شیر دادن به فرزندان) را دریافت نماید.

در واقعی پدر این بالمعروف و به خوبی انجام دادن وظیفه خود را با آزار و اذیت و منت نهادن ضایع نکند.

)لاَ يُكَلِّفُ اللّهُ نَفْسًا إِلاَّ وُسْعَهَا(

لا یکلف الله نفسا الا وسعها

 « خداوند هیچ کس را، جز به اندازه تواناییش، تکلیف نمی‌کند »

آیه ی فوق مادر را مورد خطاب قرار می دهد.

ممکن است مادر به پدر فرزند خود بگوید: چون به فرزندت شیر می دهم می بایست تمام نیازهای که طلب می کنم را برایم فراهم نمایی

اما طبق آیه فوق، پدر به اندازه توانایی خود باید در این عرصه قدم بردارد (تامین نیاز های مادر)

پس تا این قسمت از درس امروز، قرآن کریم دو تذکر به پدر و مادر می دهد:

اول به پدر برای انجام وظایف خود در قبال تامین نیازهای مادرِ فرزند خود

و تذکر دوم به مادر برای رعایت کردن اندازه ها که در اینجا منظور از اندازه، رعایت نمودن توان پدر فرزندش و سنجیدن انتظارت بر اساس توان او می باشد

خداوند در ادامه آیه 233 سوره بقره می فرمایند

لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا

(لا تضار والده بولدها)

 نه مادر باید در نگهبانی فرزند به زحمت و زیان افتد

وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ

و لا مولود له بولده

و نه پدر بیش از حدّ متعارف برای کودک متضرر شود.

 بنابراین باید تمام اندازه و انتظارات رعایت شوند (از سوی پدر و مادر)

پدر و مادر نیز باید حق کودک را رعایت کنند

زیرا امروزه بحث حقوق کودک در نظام بین الملل نیز مطرح است و قرآن کریم نیز حقوق کودک را در نظام بین الملل را به نزدیک ترین، عزیزترین و شریف ترین و عاطفی ترین عناصر خانواده که پدر و مادر هستند، گوشزد می کند

وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذلِکَ

 (و علی الوارث مثل ذلک)

و اگر کودک را پدر نبود وارث باید در نگهداری او به حد متعارف قیام کند

به عنوان مثال ممکن است در زمان زایمان مادر و به دنیا آمدن فرزند، پدر فرزند فوت کرد، در این شرایط وارثان خواهان اموال هستند.

وارث نیز باید همانند پدر، وظایف خود را در قبال شیر دادن مادر به فرزند به صورت بالمعروف رعایت کند

ادامه این آیه ی شریفه به مشاوره اشاره می کند:

فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا

(فان ارادا فصالا عن تراض منهما و تشاور فلا جناح علیهما)

 « و اگر پدر و مادر به رضایت و مصلحت دید یکدیگر بخواهند فرزند را از شیر بگیرند هر دو را رواست »

دو نکته مهم در آیه نهفته است:

✔️نکته اول اینکه برای گرفتن فرزند از شیر (حتی قبل از دو سال) باید توافق دو طرفه بین پدر و مادر صورت بگیرد

✔️ نکته مهم دوم این است که برای گرفتن فرزند از شیر، می بایست مشاوره صورت بگیرد.

مشاوره در اینجا، هم مشاوره بین پدر و مادر و هم مشاوره گرفتن از یک مشاور تغذیه کودک را شامل می شود. (آیا شرایط برای کودک به صورتی هست که بتوانیم او را از شیر منع کنیم یا بدن او هنوز به شیر مادر احتیاج دارد).

در روایات داریم که اگر بچه بیشتر از 2 سال از شیر مادر تغذیه کند دچار پخمگی می شود، یعنی احمق شده و شیر روی هوش او تاثیر منفی می گذارد.

ادامه آیه به صورت زیر ادامه پیدا می کند:

وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ

(و ان اردتم ان تسترضعوا اولادکم)

و اگر خواهید که برای فرزندان دایه بگیرید آن هم روا باشد

فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ

(فلا جناح علیکم اذا سلمتم بالمعروف)

آن هم روا باشد در صورتی که دایه را حقوقی به متعارف بدهید.

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

(و تقوا الله واعلموا ان الله بما تعلمون بصیر)

و از خدا پروا کنید و بدانید که خداوند به کردار شما بیناست.

عظمت قرآن کریم در اینجا نیز خود را نشان داده که 1400 سال پیش به مشاوره تغذیه کودک اشاره می کند که از برکات و معجزات الهی است. (تراض منهما و تشاور)

اما دانش و علم روانشناسی و مشاوره تنها حدود یک قرن است که مطرح شده است (اسم کسانی همچون ویکتور فرانکل، اسکینر، اتو رانک، هری هارلو، کورت لوین، ویلیام گلاسر تنها حدود 100 الی 120 سال است که به عنوان متخصصین در علم روانشناسی و مشاوره مطرح گردیده است)

اما همانطور که بیان شده قرآن و اسلام 1400 سال پیش بحث مشاور و تغذیه کودک را که نباید یک طرفه و خودسرانه باشد را به این دقت و ظرافت بیان نموده است

پس تنها توافق بین پدر و مادر برای گرفتن فرزند از شیر مادر کافی نبود و مشاوره نیز ضرورت دارد.

البته در صورتی که علم و دانش و پدر و مادر برای قطع شیر کافی باشد که مشاوره بین خود آنها کفایت می کند اما اگر دانش آنها در این زمینه (تغذیه کودک) کافی نیست باید به متخصص در این زمینه اشاره کنند و مناسب یا عدم مناسب بودن شرایط کنونی برای گرفتن فرزند از شیر مادر را مشخص نمایند.

یکی دیگر از آیاتی قرآن که به مشاوره اشاره می کند، سوره قصص می باشد

خداوند در آیه 20 از سوره قصص می فرمایند:

وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ ﴿۲۰﴾

 (و جاء رجل من اقصی المدینه یسعی قال یا موسی ان الملا یاتمرون بک لیقتلوک فاخرج انی لک من الناصحین)

و مردی از دورترین (نقطه) شهر شتابان آمد (و) گفت: ای موسی! اشراف و سران (فرعونی) درباره تو مشورت می کنند که تو را بکشند! بنابراین (از این شهر ) بیرون برو که یقیناً من از خیرخواهان توام.

در آیه فوق نیز به شورا و مشاوره اشاره می شود.

\*\*\*\*\*\*\*

درس دهم مشاوره- از منظر قرآن کریم-هجدهم آبان ماه

دکتر علی اکبر مرتضوی کیاسری

شور و مشاوره:

شور و مشاوره یعنی استخراج رای دیگری به منظور بهره مندی از نظرات او در مسیر پویش صلاح زندگی فردی و اجتماعی در ابعاد گوناگون آن.

بحث مشاوره از چنان اعتباری برخوردار بوده است که پیامبر اکرم (ص) نیز براساس فرمان آیه 159 سوره آل عمران در زندگی خویش مشاوره های با ماهیت های متفاوت استفاده نموده اند :

فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ

(فاعف عنهم واستغفر لهم و شاورهم فی الامر فاذا عزمت فتوکل علی الله ان الله یحب المتوکلین )

پس از آنان درگذر و برايشان آمرزش بخواه و در كار[ها] با آنان مشورت كن و چون تصميم گرفتى بر خدا توكل كن زيرا خداوند توكل‏كنندگان را دوست مى دارد

در آیه فوق :

منظور از " امر " تمامی امور می باشد

پیغمبر (ص) به این آیه توجه عملی نموده اند

در ادامه به نمونه های دیگری از توجه عملی پیامبر ( ص) به آیات اشاره می شود :

پیغمبر (ص) مشاوره نظامی داشتند

زمانی که مسلمین از مکه به مدینه هجرت کردند ( از یاران پیغمبر و مهاجرین ) ، کفار قریش در مکه اعلام کردند که اموال پیغمبر ( ص ) و یاران ایشان مصادره می شود. پیغمبر (ص) نیز از اصل تقاص استفاده نمودند

تقاص :

یعنی اگر شخصی پول و مال تو را ربود و مالی از آن شخص در دسترس شما بود ( کیف ، چمدان و... ) شما می توانید به میزان اموالی که از شما ربوده و بدون اجازه ی او ، از آن مال بردارید.

داستان :

کاروانی از ابوسفیانیان از مکه برای تجارت به دمشق سفر کرد. در مسیر برگشت از شامات از معبر مدینه به سمت مکه می گذشت ، پیغمبر ( ص) چاره اندیشی نموده و در مسیر اموالی که از مسلمان ها در مسیر مکه مصادره شده بود را با ایجاد حلقه محاصره از کاروانیان گرفتند. جنگ سختی درگرفت ، توسط هر دو طرف مقاومت صورت گرفته و هر دو طرف متحمل کشته شدند و نهایتا جنگ به نفع اسلام و مسلمین با گرفتن اموال خود در نظام موضوع تقاص پایان پذیرفت . کفار به مکه برگشته و تجدید قوا نموده و با یک لشکر و سپاه عظیم به سمت مدینه و جنگ با پیغمبر ( ص) یورش بردند. این خبر به پیغمبر (ص) رسید، ایشان با اطرافیان خود شورای نظامی و به اصلاح " مشاوره جنگی" تشکیل دادند .

و برای اتخاذ تصمیم پیرامون دو روش :

روش اول : آیا ما در مدینه به جنگ بپردازیم ( جنگ خیابانی ،تن به تن و کوچه به کوچه ، یعنی از پشت بام ها با ابزارآلات جنگی دشمن را به داخل کشاندن)

روش دوم : جنگیدن در بیرون از مدینه.

نظر و پیشنهاد پیغمبر (ص) به این صورت بود که دشمن به داخل شهر مدینه کشانده و با ایجاد حلقه محاصره با دشمن به مقابله بپردازند.

اما رای در جلسه شورای مشاوره توسط برخی از یاران و نزدیکان پیامبر ( ص) همانند معاذ بن جبل به این صورت صادر شد که جنگ در خارج از شهر مدینه صورت گیرد. بنابراین این جنگ را در منطقه ای خارج از شهر مدینه به نام اُحُد ( احد) اداره کنند.

پیغمبر لشکر را به بیرون از شهر مدینه کشیده ، در منطقه احد جنگ در گرفت ، و به دلیل غفلتی که مسلمان ها کردند و تنگه ای را که در اختیار آنها بود و به خیال اینکه دشمن شکست خورده رها کردند ، دشمن از پشت آنها دور زده و پیغمبر و یارانشان را غافلگیر کرده و 72 نفر من جمله حمزه سید الشهدا (سید الشهدای مسلمین در آن زمان ) به شهادت رسیدند.

همانطور که بیان شد ، با اینکه نظر پیامبر (ص) جنگیدن با دشمن در داخل شهر مدینه بود ، اما ایشان به مشاوره و رای آن احترام گذاشتند ، و جنگ را در خارج از شهر ادامه دادند ، گرچه منجر به شکست شد اما در تاریخ نیامده که پیامبر (ص) کسی را به خاطر این شکست ملامت و سرزنش کرده باشند.

زیرا ممکن است نتیجه و راهنمایی که از مشاوره به دست می آید ، مطلوب نباشد .

العبد یدبر و الله یقدر

بنده تدبیر می کند و خداوند تقدیر

نکته :

احترام پیامبر (ص) به بحث مشاوره در این شور جنگی قابل عنایت و اهمیت است

پیغبر (ص) در مسائل دیگری از زندگی خود، از قبیل نصب حاکمان ، پیوسته با حضرت علی ( ع) مشاوره می کردند.

یکی از مواردی که در آن نبی مکرم اسلام پیرامون آن مشاوره نمودند ، " مشاوره خانوادگی " بود داستان " افک " که در مدینه رخ داد، پیغمبر را بسیار آزرده و افسرده کرد.

افک : در لغت به معنای قلب کردن و عکس کردن حقیقت است . ( گاهی به معنای تهمت و دروغ نیز آمده است . زیر تهمت و دروغ بود را نبود و نبود را بود جلوه داده و به نوعی برعکس نشان دادن حقیقت است)

در داستان افک ، عده ای با نام مسلمین ، ( منافقین ، که ادعای مسلمانی داشته ولی عملاً رفتاری اسلامی ندارند) نشست تشکیل داده و بر علیه پیغمبر ( ص) توطئه کرده و یکی از همسران ایشان را مورد اتهام اخلاقی ( جنسی ) قرار دادند. این خبر را دست به دست کرده و به گوش یکدیگر رساندند.

هنگامی که پیغمبر از غزوه بنی المصطلق بر می گشتند ، عده ای همراه ایشان بودند. شخصی که کاروان را پس نگهبانی می کرد ( روال کار پیغمبر بدین صورت بود که وقتی کاروانی حرکت می کرد ، یک نفر از جلو به عنوان پیش قراول و یک نفر از عقب به عنوان پس قراول حرکت می کردند) همسر مذکور پیامبر نیز در این کاروان حضور داشتند و یک لحظه بخاطر اینکه وسیله ای شخصی را جاگذاشته از کجاوه خود پیاده شدند ، کاروان به مسیر خود ادامه دادند. شخص پس قراول همسر پیغمبر را با کجاوه خود به کاروان رساندند ، توطئه از این نقطه آغاز گردید

(ارتباط همسر پیغمبر با شخص پس قراول )

این موضوع با نام افک اعلام شده و بر پیغمبر (ص) فشار مضاعفی وارد کرد. تا این اندازه که آیا ادامه دادن زندگی با این همسر به مصلحت اسلام و مسلمین است یا بخاطر موضوع افک به این زندگی مشترک خاتمه دهند، با امیر المومنین ( ع) و اسامه مشورت نمودند که به عنوان " مشاوره خانوادگی " در فرهنگ اسلامی از آن یاد می شود.

\*\*\*\*\*\*\*

مشاوره از منظر قران-درس یازدهم22 آبان

پیامبر اکرم در زمینه های نظامی ،درمانی،حکومتی و خانوادگی به مردم مشاوره می دادند.

شرح ماجرای افک:

افک در معنای لغوی به معنی تهمت ناروا و به عکس کردن حقیقت می باشد.این ماجرا که باعث ناراحتی پیامبر شده بود در سوره نور آیه ۱۱ تا ۲۵ در قرآن از آن یاد شده است . این داستان مربوط به تهمتی است که در زمینه اخلاقی به یکی از همسران پیامبر زده شده بود.و این تهمت داشتن رابطه نامشروع همسرپیامبر با یکی از دشمنان ظاهرا مسلمان ولی منافق بوده است.

در آیه ۱۱ سوره نور آمده است :

 إِنّ الَّذِینَ جاءُوا بِالْأِفْکِ عُصْبَةٌ مِّنکُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّکُم بَلْ هُوَ خَیْرٌ لَّکُم لِکُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُم مَّا اکْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِی تَوَلَّی کِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابُ عَظِیمٌ

ان الذین جاءوا بالافک عصبه منکم لا تحسبوه شرا لکم بل هو خیر لکم لکل امری منهم ما اکتسب من الاثم و الذی تولی کبره منهم له عذاب عظیم

(ترجمه تحت الفظی آیه:

همانا ان گروه از منافقان که به شما مسلمانان بهتان بستند می پندارید ضرری به ابروی شما میرسد بلکه خیر و ثواب نیز خواهید یافت و هریک از انها به عقاب اعمال خود خواهند رسید و آن کس از منافقان که راس و منشا این بهتان بزرگ گشت هم به او عذابی سخت معذب خواهد شد)

ترجمه مفهومی ایه:

کسانی این تهمت را روا داشتند از بین شما مسلمانان بوده و این را به عنوان شر برای خود حساب نکنید در هر صورت هر اتفاقی که رخ می دهد، به دستور قرآن شما از نظر مثبت به آن نگاه کنید.سخت است برای شما ، ولی شما آن را شر محسوب نکنید .اما برای کسی که عامل این کار بودگناهش برای او محفوظ است وکسی که بیشترین مسئولیت را در این کار به عهده گرفته است خبر را منتشر کرد و آن را ساخته برای انتشار آن تلاش کرد (منافق ) برای او عذابی بزرگ است.

از آیه ۱۱ سوره نور دفاع خداوند از دامن پاک خانواده مطهر پیامبر اکرم (ص) شروع می شود.

لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بِأنْفُسِهِمْ خَیْرًا وَ قِالُوا هَذَا إِفْکٌ مُبِینٌ (آیه ۱۲ سوره نور)

لولا اذ سمعتموه ظن المومنون و المومنات بانفسهم خیرا و قالوا هذا لفک مبین (سوره نور – 12)

(ترجه تحت الفظی:آیا سزاوار این نبود که چون از منافقان چنین بهتان و دروغ ها شنیدید مردان و زنان مومن حسن ظنشان درباره ی یکدیگر بیشتر شده و گویند :این دروغی است آشکار ؟)

ترجمه مفهومی :در آیه ۱۲ سوره نور قران از اطرافیان پیامبر گله می کند که چرا مردان و زنان مومن با شنیدن خبر سوظن پیدا کردند و با گمانه زنی ها به انتشار خبر کمک کرده اند.

در واقع در این ایه خداوند به بهداشت روانی اشاره دارد ،به این صورت که جامعه ی اسلامی نباید با شنیدن هر خبری در خطر شایعه پراکنی قرار بگیرد و آن خبر غیر موثق را باور کندهمان طور که در قرآن آمده است اگر فاسقی برای شما خبری اورد شما باید درباره ی ان خبرتحقیق نمایید و چشم و گوش بسته شایعه را نپذیرید .

شایعه اجتماعی باعث رنجش بسیار پیامبر شد و خدواند در برابر ان شایعه از پیامبر نه تنها دفاع می کند بلکه به مردان و زنان مومن گله نیز می کند .

لَوْلَا جَاءُوا عَلَیْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ یَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَئِکَ عِنْدَ اللهِ هُمُ الْکَاذِبُونَ ( سوره نور-13)

لولا جاءوا علیه باربعه شهدا فاذ لم یاتوا بالشهدا فاولئک عند الله هم الکاذبون ( سوره نور – 13)

همچنین در آیه ۱۳ سوره نور اشاره می کند که این نوع اتهامات و شایعات عفافی را اگر کسی به زن مسلمانی روا داشت باید بر صحت حرف خود ۴ شاهد بیاورد که آن شاهدین هم شرایط خاص خود را باید داشته باشند و مطرح کردن این قبیل تهمت ها بدون شاهد در واقع بیان کننده این است که گوینده ی این تهمت ها کاذب و دروغ گو افتراگرمی باشد .

قابل ذکر است در این ۱۵ آیه که نشان دهنده فشار مضاعف بر پیامبر می باشد،پیامبر این تهمت ها را باور نکرده بودند.

پیامبر خانه و خانواده خود را می شناسد اینکه گفته می شود پیامبر در بخش خانواده با امیرالمومنین و اسامه مشاوره کرد این است که آیا در چنین شرایط اجتماعی که به خانواده پیامبر اتهام وارد شد طلاق می تواند غاعله را خاتمه دهد و به سود اسلام و مسلمین باشد یا نه ؟

نه اینکه پیامبر باور کرده ، بدبین ، عصبانی شده باشد زیرا اینها خلاف شان پیامبر است .

این آیات برای بهداشت روانی مردم عادی آمده است و گله می کند چه رسد به پیامبر . پیامبری که در خلق انک لعلی خلق العظیم ویژگی بلند و رتبه های اعلا دارد

 بعثت لاتمم و مکارم الاخلاق : من برای اتمام مکارم اخلاق و سرچشمه های جوشش اخلاق مبعوث شده ام

پرسش پیامبر از امیرالمومنین و اسامه این است که یعنی تحمل شرایط به سود است یا نه ؟

آنقدر بحث مشاوره اعتبار دارد که :

زید بن یسار می گوید امام جعفر صادق (ع) به من گفتند به من مشاوره بده . من عرض کردم " یا ابن رسول الله " جعلت فداک" من به حضرتعالی مشاوره دهم. حضرت با حالتی که نشان از تحکم داشت فرمود : هر گاه که از تو طلب مشاوره کردم به من مشاوره بده و من را از مشاوره محروم نکن .

حسن ابن جحم یکی از یاران امام رضا (ع) می گوید خدکت امام رضا (ع) نشسته بودیم که این بحث مطرح شد که امام فرمودند پدر من اهل مشورت بودند و حتی گاهی مورد انتقاد قرار می گرفتند که یا ابن رسول الله که جنابعالی که علم ازل و ابد در محضر شماست و علم لدنی دارید شما برای چه از غلامی که کارگر منزل شماست مشاوره می گیرید ؟ و یا با آدم های معمولی غیر مشاور هم شور می کنید ؟

پدرم در پاسخ فرمودند : " چه می دانیم شاید خداوند خیر مرا در خیزش مغزی شخص دیگری ( گرچه کارگر خانه من ) و برکت و هدایت زندگی من را در چرخش زبان دیگری مقرر کرده است.

پیامبر خدا مشاوره جنگی ، مشاوره خانوادگی ، مشاوره حکومتی می گیرد .

این به تاثیر بی نهایت مشاوره دلالت دارد که در سوره شوری آیه 38 به همین حقیقت اشاره شده است

واقام الصلوه و امرهم شوری بینهم

مومنان و کسانی که بر خدا توکل می کنند نماز اقامه می کنند و در کارها اهل شور و مشاوره هستند .

حدیثی از پیامبر داریم که :

اِذا كانَ أمَرائُكُمْ خِيارَكُمْ وَ اَغْنِيائُكُمْ سُمَحائُكُمْ وَ اَمْرُكُمْ شُوري بَيْنَكُمْ فَظَهْرُ ألاَرْضِ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ بَطْنِها وَ اِذا كانَ أمَرائُكُمْ شِرارَكُمْ وَ اَغْنِيائُكُمْ بُخَلائَكُمْ وَلَمْ يَكُنْ اَمْرُكُمْ شُوري بَيْنَكُمْ فَبَطْنُ اْلاَرْضِ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ ظَهْرِها

اذا کان امرائکم خیارکم و اغنیائکم سمحائکم و امرکم شوری بینکم فظهر الارض خیرلکم من بطنها و اذا کان امرائکم شرارکم و اغنیائکم بخلائکم و لم یکن امرکم شوری بینکم فبطن الارض خیر من ظهرها

توضیح این حدیث در جلسه بعدی بیان می شود .

\*\*\*\*\*\*\*

دوازدهم مشاوره از منظر قرآن-جلسه دوازدهم25 آبان

حدیثی از پیامبر داریم که :

اِذا كانَ أمَرائُكُمْ خِيارَكُمْ وَ اَغْنِيائُكُمْ سُمَحائُكُمْ وَ اَمْرُكُمْ شُوري بَيْنَكُمْ فَظَهْرُ ألاَرْضِ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ بَطْنِها وَ اِذا كانَ أمَرائُكُمْ شِرارَكُمْ وَ اَغْنِيائُكُمْ بُخَلائَكُمْ وَلَمْ يَكُنْ اَمْرُكُمْ شُوري بَيْنَكُمْ فَبَطْنُ اْلاَرْضِ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ ظَهْرِها

اذا کان امرائکم خیارکم و اغنیائکم سمحائکم و امرکم شوری بینکم فظهر الارض خیرلکم من بطنها و اذا کان امرائکم شرارکم و اغنیائکم بخلائکم و لم یکن امرکم شوری بینکم فبطن الارض خیر من ظهرها

در فرازی از این روایت آمده است که جامعه ای که اهل مشورت نیست در واقع همانند مرده ی متحرک است و حیف است که برروی زمین زندگی کند. چرا که دارای استبداد رای است و کسی که در استبداد رای قرار داشته باشد خود به خود به سمت نابودی می رود.

امیرالمومنین فرمودند:(هلک من استبدبه رایه ی : نابود می شود کسی که خود رای باشد، خودشیفتگی فکری داشته باشد ، خود شیفتگی در اظهار نظر داشته باشد)

بعضی از افراد را مشاهده کرده اید که وقتی می خواهیم مطلبی را به آنها یادآور شویم با این پاسخ مواجه می شویم که من بلدم و یا هنگامی که به آنها می گویید راجع به فلان موضوع از افراد متخصص مشاوره بگیرد پاسخ می دهند من می توانم صد تا مشاور را درس بدهم (ارتش چرا ندارد؛ همینی که گفتم و لاغیر )

در نهایت این افراد با یک لبخند سرد، زرد، بی مزه و تهدید کننده ، بمنظور حفظ آرامش و بهداشت روانی خود و دیگران، از زیر بار پذیرش فرهنگ مشاوره شانه خالی می کنند.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: اگر جامعه ای ۳ گرفتاری داشته باشد آن جامعه، جامعه ای مرده است و در مرگ تدریجی قرار دارد. آن ۳ مشکل عبارتند از:

الف) اگر امور شما در جامعه به دست انسان های بد، کینه توز نسبت به مردم، دست کج، بددل، بددست، بدچشم، شرخواه، شرخر، قلب ناسالم، خوش خوراک(شرار) قرار گیرد. (اذا کان امراءکم شرارکم)

این افراد می خواهند رهبران و مسئولان جامعه بشوند (واغنیائکم بخلائکم)

ب) هنگامی که ثروتمندان شما اهل بخشش نیستند بلکه اهل تکاثر و ثروت اندوزی اند و بدنبال جمع مال به هر شکل و هر قیمت هستند و به مردم توجهی ندارند و این احتکار آن ها با جان، آرامش خانواده، نان و امنیت مردم در ستیز است. در جامعه ای که رهبران آن بدها و شرها و سرمایه داران آن ناخن خشک ها و بخیل های ضد مردم باشند

ج) شما را به مشاوره دعوت نکنند (امرکم لم یکن شوری بینکم ) کارهایتان کارهایی مشاوره ای نباشد و فرهنگ مشاوره ای وجود نداشته باشد و هرکس خودش را در فکر برتر بداند و دیگران را ناتوان بداند

 چنین جامعه ای حضرت می فرمایند :(فبطن الارض خیر من ظهرها : این جامعه برایش زیرخاک رفتن، خاک برسر شدن و گور به گور شدن مناسب تر از این است که به عنوان یک جامعه پویا جلوه کند.

این حدیث رسما می گوید این جامعه، جامعه خاک بر سران است یعنی جامعه مرده است

 ولی برعکس می فرمایند:

الف) (اذا کان امرائکم خیارکم: هنگامی که رهبرانتان از افراد پاک باشند، انسان های دلسوز و مهربان به مردم باشند، حس امیرالمومنین را داشته باشند، شبانه نان و خرما برای مردم ببرند، عدالت داشته باشند، خودخواه نباشند، نفس پرست نباشند، هواخواه نباشند، خود برتر دان بر دیگران نباشند، این جامعه اگر چنین باشد

ب) اغنیاءکم سمهاءکم: ثروتمندان هم اهل بخشش مالی باشند، به فقرا توجه کنند، اموالشان را در خدمت دیگران قرار دهند، به کمک مستضعفین مالی برخیزند

ج) امرکم شوری بینکم : و در کارهایتان هم مشورت کنید و اهل مشاوره و فرهنگ مشاوره باشید، در چنین جامعه ای حیف است که افراد به گور بروند (الهی چنین ملتی تا هزاران سال ماندگار باشد)

در این حدیث چنین مطرح شده است که اگر مردم به رهبران اجتماعی، ثروتمندان جامعه و کسانی که رهبران فکری جامعه باشند، گرایش پیدا کنند، این جامعه به صورت جامعه ای پویا جلوه می کند.

در یکی از احادیث نسبت به بحث منافع مشاوره گفته می شود این جامعه، جامعه ای پویا است و پشیمان و سرافکنده و حسرت به دل نمی شود چون در روایتی پیامبر خدا فرمود:

(المشاوره حسن من الندامه: مشاوره دیوار و حصاری است که انسان را از پشیمانی بازمی دارد)

 (امن من الملامه: مشاوره عامل امنیت در برابر سرزنش شدن است) چون نهایتا اگر نتیجه مشاوره بد شود و در واقع به نتیجه نرسد و یا نتیجه ی مطلوب حاصل نشود علاوه بر اینکه خود شخص دچار فشار روانی نمی شود، دیگران هم او را سرزنش نمی کنند.

پیامبران گرایش به مشاوره را یک خصلت با فضیلت می دانند.

در سوره ی نمل آیه ۱۵ می خوانیم :

(لقد آتینا داود و سلیمان علما : ما به داود و سلیمان علم بخشیدیم)

و هنگامی که به آن ها علم دادیم :(قالا الحمدلله الذی فضلنا علی کثیر من عباده المومنین: داود و سلیمان پس از اینکه به آنها علم (علم مشاوره) از سمت پروردگار داده شد ستایش خدا را کردند، ستایش خدایی را که به ما برتری داد بر بسیاری از مومنین و بندگان مومن).

منظور از علم داود و سلیمان علم مشاوره است چرا که پیامبر مشاور است و به انسان ها برای رفتن به سمت هدایت، مشورت می دهد (راهنمایی و مشاوره)

در واقع می توان گفت مشاور فضیلت دارد بر دیگران حتی عباد مومن.

درس یازدهم مشاوره از منظر قران-درس یازدهم22 آبان

پیامبر اکرم در زمینه های نظامی ،درمانی،حکومتی و خانوادگی به مردم مشاوره می دادند.

شرح ماجرای افک:

افک در معنای لغوی به معنی تهمت ناروا و به عکس کردن حقیقت می باشد.این ماجرا که باعث ناراحتی پیامبر شده بود در سوره نور آیه ۱۱ تا ۲۵ در قرآن از آن یاد شده است . این داستان مربوط به تهمتی است که در زمینه اخلاقی به یکی از همسران پیامبر زده شده بود.و این تهمت داشتن رابطه نامشروع همسرپیامبر با یکی از دشمنان ظاهرا مسلمان ولی منافق بوده است.

در آیه ۱۱ سوره نور آمده است :

 إِنّ الَّذِینَ جاءُوا بِالْأِفْکِ عُصْبَةٌ مِّنکُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّکُم بَلْ هُوَ خَیْرٌ لَّکُم لِکُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُم مَّا اکْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِی تَوَلَّی کِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابُ عَظِیمٌ

ان الذین جاءوا بالافک عصبه منکم لا تحسبوه شرا لکم بل هو خیر لکم لکل امری منهم ما اکتسب من الاثم و الذی تولی کبره منهم له عذاب عظیم

(ترجمه تحت الفظی آیه:

همانا ان گروه از منافقان که به شما مسلمانان بهتان بستند می پندارید ضرری به ابروی شما میرسد بلکه خیر و ثواب نیز خواهید یافت و هریک از انها به عقاب اعمال خود خواهند رسید و آن کس از منافقان که راس و منشا این بهتان بزرگ گشت هم به او عذابی سخت معذب خواهد شد)

ترجمه مفهومی ایه:

کسانی این تهمت را روا داشتند از بین شما مسلمانان بوده و این را به عنوان شر برای خود حساب نکنید در هر صورت هر اتفاقی که رخ می دهد، به دستور قرآن شما از نظر مثبت به آن نگاه کنید.سخت است برای شما ، ولی شما آن را شر محسوب نکنید .اما برای کسی که عامل این کار بودگناهش برای او محفوظ است وکسی که بیشترین مسئولیت را در این کار به عهده گرفته است خبر را منتشر کرد و آن را ساخته برای انتشار آن تلاش کرد (منافق ) برای او عذابی بزرگ است.

از آیه ۱۱ سوره نور دفاع خداوند از دامن پاک خانواده مطهر پیامبر اکرم (ص) شروع می شود.

لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بِأنْفُسِهِمْ خَیْرًا وَ قِالُوا هَذَا إِفْکٌ مُبِینٌ (آیه ۱۲ سوره نور)

لولا اذ سمعتموه ظن المومنون و المومنات بانفسهم خیرا و قالوا هذا لفک مبین (سوره نور – 12)

(ترجه تحت الفظی:آیا سزاوار این نبود که چون از منافقان چنین بهتان و دروغ ها شنیدید مردان و زنان مومن حسن ظنشان درباره ی یکدیگر بیشتر شده و گویند :این دروغی است آشکار ؟)

ترجمه مفهومی :در آیه ۱۲ سوره نور قران از اطرافیان پیامبر گله می کند که چرا مردان و زنان مومن با شنیدن خبر سوظن پیدا کردند و با گمانه زنی ها به انتشار خبر کمک کرده اند.

در واقع در این ایه خداوند به بهداشت روانی اشاره دارد ،به این صورت که جامعه ی اسلامی نباید با شنیدن هر خبری در خطر شایعه پراکنی قرار بگیرد و آن خبر غیر موثق را باور کندهمان طور که در قرآن آمده است اگر فاسقی برای شما خبری اورد شما باید درباره ی ان خبرتحقیق نمایید و چشم و گوش بسته شایعه را نپذیرید .

شایعه اجتماعی باعث رنجش بسیار پیامبر شد و خدواند در برابر ان شایعه از پیامبر نه تنها دفاع می کند بلکه به مردان و زنان مومن گله نیز می کند .

لَوْلَا جَاءُوا عَلَیْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ یَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَئِکَ عِنْدَ اللهِ هُمُ الْکَاذِبُونَ ( سوره نور-13)

لولا جاءوا علیه باربعه شهدا فاذ لم یاتوا بالشهدا فاولئک عند الله هم الکاذبون ( سوره نور – 13)

همچنین در آیه ۱۳ سوره نور اشاره می کند که این نوع اتهامات و شایعات عفافی را اگر کسی به زن مسلمانی روا داشت باید بر صحت حرف خود ۴ شاهد بیاورد که آن شاهدین هم شرایط خاص خود را باید داشته باشند و مطرح کردن این قبیل تهمت ها بدون شاهد در واقع بیان کننده این است که گوینده ی این تهمت ها کاذب و دروغ گو افتراگرمی باشد .

قابل ذکر است در این ۱۵ آیه که نشان دهنده فشار مضاعف بر پیامبر می باشد،پیامبر این تهمت ها را باور نکرده بودند.

پیامبر خانه و خانواده خود را می شناسد اینکه گفته می شود پیامبر در بخش خانواده با امیرالمومنین و اسامه مشاوره کرد این است که آیا در چنین شرایط اجتماعی که به خانواده پیامبر اتهام وارد شد طلاق می تواند غاعله را خاتمه دهد و به سود اسلام و مسلمین باشد یا نه ؟

نه اینکه پیامبر باور کرده ، بدبین ، عصبانی شده باشد زیرا اینها خلاف شان پیامبر است .

این آیات برای بهداشت روانی مردم عادی آمده است و گله می کند چه رسد به پیامبر . پیامبری که در خلق انک لعلی خلق العظیم ویژگی بلند و رتبه های اعلا دارد

 بعثت لاتمم و مکارم الاخلاق : من برای اتمام مکارم اخلاق و سرچشمه های جوشش اخلاق مبعوث شده ام

پرسش پیامبر از امیرالمومنین و اسامه این است که یعنی تحمل شرایط به سود است یا نه ؟

آنقدر بحث مشاوره اعتبار دارد که :

زید بن یسار می گوید امام جعفر صادق (ع) به من گفتند به من مشاوره بده . من عرض کردم " یا ابن رسول الله " جعلت فداک" من به حضرتعالی مشاوره دهم. حضرت با حالتی که نشان از تحکم داشت فرمود : هر گاه که از تو طلب مشاوره کردم به من مشاوره بده و من را از مشاوره محروم نکن .

حسن ابن جحم یکی از یاران امام رضا (ع) می گوید خدکت امام رضا (ع) نشسته بودیم که این بحث مطرح شد که امام فرمودند پدر من اهل مشورت بودند و حتی گاهی مورد انتقاد قرار می گرفتند که یا ابن رسول الله که جنابعالی که علم ازل و ابد در محضر شماست و علم لدنی دارید شما برای چه از غلامی که کارگر منزل شماست مشاوره می گیرید ؟ و یا با آدم های معمولی غیر مشاور هم شور می کنید ؟

پدرم در پاسخ فرمودند : " چه می دانیم شاید خداوند خیر مرا در خیزش مغزی شخص دیگری ( گرچه کارگر خانه من ) و برکت و هدایت زندگی من را در چرخش زبان دیگری مقرر کرده است.

پیامبر خدا مشاوره جنگی ، مشاوره خانوادگی ، مشاوره حکومتی می گیرد .

این به تاثیر بی نهایت مشاوره دلالت دارد که در سوره شوری آیه 38 به همین حقیقت اشاره شده است

واقام الصلوه و امرهم شوری بینهم

مومنان و کسانی که بر خدا توکل می کنند نماز اقامه می کنند و در کارها اهل شور و مشاوره هستند .

حدیثی از پیامبر داریم که :

اِذا كانَ أمَرائُكُمْ خِيارَكُمْ وَ اَغْنِيائُكُمْ سُمَحائُكُمْ وَ اَمْرُكُمْ شُوري بَيْنَكُمْ فَظَهْرُ ألاَرْضِ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ بَطْنِها وَ اِذا كانَ أمَرائُكُمْ شِرارَكُمْ وَ اَغْنِيائُكُمْ بُخَلائَكُمْ وَلَمْ يَكُنْ اَمْرُكُمْ شُوري بَيْنَكُمْ فَبَطْنُ اْلاَرْضِ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ ظَهْرِها

اذا کان امرائکم خیارکم و اغنیائکم سمحائکم و امرکم شوری بینکم فظهر الارض خیرلکم من بطنها و اذا کان امرائکم شرارکم و اغنیائکم بخلائکم و لم یکن امرکم شوری بینکم فبطن الارض خیر من ظهرها

توضیح این حدیث در جلسه بعدی بیان می شود .

\*\*\*\*\*\*

مشاوره از منظر قرآن-جلسه سیزدهم29 آبان

در جلسات پیرامون برخی از آیات و روایات و سیره پیامبر اسلام و ائمه معصومین در حوزه توجه به فرهنگ مشاوره نکاتی مطرح شد .

اشاره شد که خداوند در سوره نمل آیه 15 می فرماید

و لقد آتینا داوود و سلیمان علما : ما به داوود و سلیمان علم دادیم

و این دو بزرگوار در ستایش و سپاس و شکرگزاری از این نعمت عرضه داشتند که :

قالا الحمدلله الذی فضلنا علی کثیر من عباده المومنین: سپاس خداوندی که ما را فضیلت داد بر بسیاری از بندگان مومن

علمی که در اینجا مطرح می کنیم در حقیقت علم چگونگی ارائه خدمات مشاوره ای برای هدایت انسان است

همانطور که می دانید پیامبران فقط مشورت می دهند و مشاوره می کنند و در یک نظام شورایی اظهار نظر و ابلاغ نظر می کنند .

قرآن به صراحه به نبی اسلام می گوید لست علیهم بمصیطر

شما پیامبری هستی که سیطره نداری

انما انت منظر

در آیه ای نیز برای اینکه پیامبر آرام باشد و تعادلش را حفظ کند در یک گفتار دلسوزانه و مهربانانه به پیامبر می گوید چیزی نمانده که جانت به لب آید در مقابل آنچه که ارائه خدمات مشاوره ای می دهی و این مردم به سخن مشاوره ای تو در مسیر راهنمایی شدن برای رفتن به سمت خدا از شما پیروی نمی کنند

و لعلکم باخع نفسک : شاید تو از غصه و غم و اندوه خود را تلف می کنی

( خیلی نموند تا جانت به لب بیاید)

یعنی اگر پیامبر نسبت به ارائه این شور و مشورت حرص و جوش هم بخورد برای تعادل وی در غالب دلسوزی و مهربانی و نوازش پیامبر می خواهد اشاره کند که مشاوری

و ما علی الرسول الا بلاغ المبین

شما سخنت را بگو و راهنمایی را داشته باش

مصیطر نیستی و حرص و جوش زیاد هم ضرورت ندارد

از علم مشاوره ای و هدایت گرانه ات برای هدایت انسانها استفاده کن

البته پیامبران مشاورانی هستند که نیاز نیست به مرکز مشاوره آنها مراجعه شود و خودشان حرکت می کنند .

در حقیقت مرکز مشاوره شان که مغز و روح و روان و اندیشه تابناکشان است ، خودشان در اختیار انسانها قرار می دهند

 خاتم الانبیا را " طبیب دوار بطبه " می گویند

از علم مشاوره برای درمان انسانها به تعبیری به شکل پزشک دوره گرد استفاده می کنند

در بیان های گوناگون هم پیامبر می فرماید : " انا طبیبکم " من طبیب شما هستم

جاهای دیگر هم اشاره دارند که " من مشاور شما هستم "

آنچه مایه فضیلت داوود و سلیمان است دانش است ، دانشی که می خواهد به کمک آن انسانها را راهنمایی کند

هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم : از خود انسانها پیامبرانی انتخاب کردیم

یتلو علیهم آیاته : آیات خدا را تلاوت کنند

ویزکیهم و یعلمهم کتاب و الحکمه : به انسان کتاب یاد دهند و معلم و مشاور باشند . و فلسفه نظام زندگی انسان را به انسان بیاموزند .

و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین : اگر چه انسانها در گذشته در گمراهی آشکار بوده باشند

وظیفه مشاور هدایت است و به سوابق نباید توجه ویژه داشته باشد ، البته به دلیل اینکه می خواهد مصاحبه تشخیصی انجام دهد می تواند از سوابق درمانی او با خبر باشد ولی نباید بر سوابق گذشته داوری کرده و حکم صادر کرده و زاویه نگاهش تغییر کند.

و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین

مفهوم آیه فوق این است که سو سابقه تاثیری در ارائه خدمات مشاوره ندارد ( مشاور نباید تحت تاثیر سوء سوابق مراجعه کننده خودش قرار گیرد ، اما تا جهت تشخیص آنکه از کدام روش جهت درمان مراجعه کننده استفاده کند ، می تواند از آن سوابق آگاهی یابد ) .

چطور برای حضرت داود (ع) و همچنین حضرت سلیمان (ع) دانش مشاوره مایه فضیلت است.

امیرالمومنین علی ( ع) در حکمت 96 از نهج البلاغه می فرمایند :

مراجعینی با فضیلت هستند و به پیامبران و فضیلت های آنها نزدیک ترین هستند، که آگاهترین نسبت به رسالت و نقش مشاوره ای پیامبران باشند.

إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِالاْنْبِيَاءِ أَعْلَمُهُمْ بِمَا جَاءُوا بِهِ،

 ( ان اولی الناس بالانبیا اعلمهم جاوا به )

نزدیک ترین مردم به پیامبران ، دانا ترین و آگاه ترین آنها به آنچه که پیامبران آورده اند ، می باشد

خداوند به پیامبر علم عطا نموده که مایه فضیلت اوست و این بزرگوار بدون سیطره و قضاوت ، مشاوره ، دستگیری و راهنمایی انجام می دهد .

منظور از جاوا به : آورده های از جانب پیامبران برای انسان های عادی است ، همانند محتوای رسالت ، جایگاه رسالت ، انگیزه رسالت و اعتبار علمی مشاوره ای پیامبران.

یک تصور وجود دارد که آیا منظور از تقرب نسبت به پیامبران ، تقرب ژنی است ؟

در جای دیگر امیوالمومنین علی ( ع) فرمودند :

ان اقرب الناس من عطا الله و ان بعدت لحمه و

نزدیک ترین انسان ها به پیامبر ( ص) ، کسی است که خدا را اطاعت کند، اگر چه از نظر گوشت و خون فاصله داشته باشد.

 و ان ابعد الناس من عص الله و ان قربت لحمه و

دورترین انسان ها نسبت به پیامبر ( ص) کسی است که خداوند را عصیان کند ، هرچند از نظر گوشت و خون به پیامبر ( ص) نزدیک باشد.

امیرالمومنین با تاکید بیان داشته اند که عامل برتری پیامبر (ص) ، علم است و عامل برتری پیروان و بهره گیران فریاد راهنمایی گرانه انبیا نیز کسی است که عالم ترین نسبت به همین علم باشد.

علمی که در یک تقسیم بندی ، امیر المومنین می فرمایند : مشاور یا هر دانشمندی باید به ماهیت علم خودش دقت داشته باشد

علمی که امیر المومنین (ع) می فرمایند : العلم علمان

مشاور زمانی می تواند بیان کند که :

وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَىٰ كَثِيرٍ مِنْ الناس

( و قالا الحمد لله الذی فضلنا علی کثیر من الناس )

خدا را شاکریم که ما را بر بسیاری از مردم برتری داد.

که علمش ، علم مطبوع باشد ، نه مسموع

چو دزدی با چراغ آید گزیده تر بَرَد کالا

علم در دست انسان بدون تعهد ، مانند خنجر در دست زنگی مست است ، که به آن علم آسیبی گویند ، نه علم امدادی

علم امدادی ، علمی است مطبوع

امیر المومنین می فرمایند : العلم علمان ، علم المطبوع و العلم مسموع

علم به دو قسم تقسیم می شود.

1) علم مسموع ، علمی است در گوش و هوش

2) علم مطبوع : علمی که از هوش و گوش به قلب، جان ، روح ، روان و نوش انسان راه یافته است.

 و سپس می فرمایند :

ولا ینفع المسموع اذا لم یکن المطبوع

دانشی که مسموع بوده ولی مطبوع نباشد ، ثمر ندارد

در واقع می توان علم مسموع را به این صورت معنی نمود : علمی که آن را می داند و می خواند ولی به آن عمل نمی کند پایبندی به آن ندارد

در این صورت علم دیگرعامل فضیلت بر کثیری از عباد مومنین نیست

قرآن کریم به این صورت ملامت می کند :

یا أَیُّها الَّذِینَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ ما لا تَفعَلُونَ

یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون

ای كسانی كه ایمان آورده اید، چرا چیزی (سخنی) می گویید كه عمل نمی كنید

کلام آخر :

مراجع به مشاور اگر از فلسفه ، جایگاه ، تاثیرات و نقش مشاوره به عنوان یک دانش در نظام زندگی خودش آگاه تر باشد، در نزدیک شدن به مشاور ، از پیامبر خدا تا همه مشاورین متعهد و در بهره مندی از این فضای معنوی و علمی مشاوره ، از بهره بیشتری برخوردار خواهند شد.

\*\*\*\*\*\*\*\*

درس چهاردهم –مشاوره از منظر قرآن مجید

نکاتی راجع به مشاوره از دیدگاه آیات ، روایات و سیره ائمه هدایت معصومین سلام الله علیهم اجمعین :

قبل از طرح مسئله آیه مورد نظر لازم به ذکر است : به تعبیر روانشناسان و آلبرت الیس یک خطای شناختی به نام واژه گرایی ما را تهدید می کند .

شاید کسی از راه رسیده و بگوید در آیاتی که خوانده شد واژه شاوره ، مشاوره ، شور و شوری نبوده . قرار نیست که همه جا از این واژه یاد شود تا ما بتوانیم اثبات کنیم . جاهایی را که قرآن انگشت گذاشته و صحبت نموده و اشاره به بحث مشاوره فردی یا جمعی و یا جلسه شوری نموده است ، ما نیز روی آن انگشت گذاشته و می گوییم دقت قرآن ، ذهن ما را به این بخش معطوف کند که آیات الهی هم این نکته را به عنوان یک مطلب قابل قبول و قابل اخبار در خبرهای آسمانی مطرح کرده ، لذا خیلی به دنبال واژه نباشید .

سوره نمل آیه 29 :

قصه ارسال نامه حضرت سلیمان به بلقیس که برای ایشان نوشت :

انه بسم الله الرحمن الرحیم

خطاب به بلقیس که دارای تاج و تخت و حکومت و ولایت در سرزمین سبا بود ، سلیمان توسط هدهد بر منقارش فرمان داد نامه ای را به بلقیس فرستاد ، زیرا پرندگان در تحت فرمان حضرت سلیمان بودند و ایشان بیان و لحن و کلام پرندگان را درک می نمود و آن ها با حضرت سلیمان هم صدایی داشتند .

نامه را برای بلقیس فرستاد ، بلقیس نامه را خواند ایشان را به تسلیم در برابر امر خداوند و مقاومت نکردن در برابر خدا دعوت کرده بود و اینکه به نظام توحید تن بده .

برای بلقیس بسیار جای تعجب بود : اولا چگونه هدهد (یک پرنده ) نامه را برایش آورده ؟ و هم اینکه مطلبی نوشته شده بود ، رویکرد فراخوانی برای این که از حکومت و قدرتش دست بردارد .

بلقیس وحشت زده اطرافیان خویش را جمع نمود ( جلسه شورای حکومتی برای تصمیم گیری در مقابل این قضیه )

چنین گفته می شود که : قالت یا ایها الملوا انی القی الی کتاب کریم انه من سلیمان

از سلیمان آمده ( در حال خواندن این نامه برای جمع ) و انه بسم الله الرحمن الرحیم

الا تعلو علي و آتونی مسلمین : بر من تفوق طلبی نکنید ، مقاومت نکنید و در مقابل شعار توحید تسلیم شده ، پذیرای پیام و وحی من باشید .

در حقیقت پیامبر نامه ای برای هدایت بلقیس با رویکرد مهربانانه و بدون تهدید فرستاد .

بلقیس خطاب به اطرافیان و امرایی که در دربار جمع نموده بود گفت :

قالت یا ایها الملاء افتونی

ای اطرافیان ، امرا وزرا و درباریان من ( افتونی : به من مشاوره دهید)

شاورونی : به من مشورت دهید ، که البته خود می دانید من کسی نیستم که الان بگویم یا ایها الملاء افتونی

من در گذشته هم اهل مشاوره بوده ام و در کارهایم خود سرانه عمل نمی کردم .

ما كنت قاطعه امرا حتى تشهدون : من در گذشته هم هیچ حکمی را صادر نمی کردم مگر این که شما می آمدید و به مسئله نظارت می کردید . من مصوبات را بعد از این که از شما مشاوره می گرفتم برای اداره حکومتم اجرا می نمودم . الان شما بگویید در مقابل این نامه سلیمان چه کنم ؟

در این جلسه امرا و فرماندهان نظامی نظر می دهند و علی القاعده از قدرت صحبت می کنند و سایر بخشها نیز از قدرت مالی صحبت نموده و می گویند :

اولوا قوه ....: ما قدرت داریم ، توانمندیم ، مشکلی نداریم و در مقابل این پیام می ایستیم .

و اولوا باس شدید : از نظر نظامی هم چیزی کم نداریم . امکانات مالی ، اقتدار ، قوت ( اولوا قوه) و هم ( اولوا باس شدید)

توان فوق العاده نیز داریم و ارتش آماده می باشد که با یک اشاره شما همه جا را فتح نماییم .

طبق آیات قرآن کریم ، بلقیس مشاوره را که دریافت نمود ، در ادامه آیات 29 نحل:

البته اینها بیان نمودند که ما فقط مشاوره و نظر دادیم ( والامر الیک) : شما هر چه بفرمایید امر، امر شماست ( فانظری)

شما نگاه کنید و ببینید (ماذا تامرین) دستور شما چیست ؟ ما تابع امر ملوکانه هستیم .

بلقیس می گوید : قالت ان الملوک اذ دخلوا قريه افسدوها و جعلوا اعزه اهلها اذله و کذلک یفعلون

من برای دربار سلیمان هدیه ، امکانات مالی و کادو می فرستم .

فناظره بم یرجع المرسلون : نگاه می کنم ببینم پیک من چه چیزی برایم می آورد . اول اعلام جنگ نمی کنم ، ابراز دوستی می کنم .

واني مرسله اليهم بهديه فناظره بما يرجع المرسلون

منظور از این آیه : علاوه بر این که شور و مشورت سنت پیامبران و انبیاء پیشین بوده ، هر انسان صاحب اندیشه و عاقلی نیز شور و مشورت می نموده ( اشاره به بلقیس)

البته بحث ما اینجاست که طرح این مسئله فقط به عنوان یک نقل تاریخی نیست . نگاه قرآن در ارتباط با طرح قصه بلقیس در برخورد با مسئله پیام سلیمان ، نگاهی مثبت می باشد . درست است که ایشان شورایی را تشکیل داد و مشاوره ای را برای مقاومت گرفت ، ولی قرآن به همین نوع نگاه نیز نمره داده و با مطرح نمودنش به آن دید مثبت دارد .

آیه ای دیگر در این خصوص ( سوره قصص آیه 15 در خصوص مشاوره ای درباره قتل حضرت موسی ) که ن شاءالله در جلسه آینده به آن می پردازیم.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

درس پانزدهم-مشاوره در قرآن

در جلسات گذشته به سوره نمل، قصص، شوری ، بقره و آل عمران در خصوص بحث مشاوره نکاتی بیان کردیم و همچنان در بحث آیات اشاره می کنیم تا آرام آرام در حلقه های باقی مانده از مباحث به روایات و احادیث ائمه هدایت نزدیک شویم .

بعد از اینکه موضوع نامه ی حضرت سلیمان به بلقیس را مطرح کردیم که وزرا و امرای ارتش خود وکشورش را جمع کرد از آنها پرسید که نامه ای آمده و به من مشاوره بدهید .

آنها بلقیس را مشاوره کردند و اعلام آمادگی کردند و گفتند که از نظر قوا قدرتمند و توانمند هستیم و امکانات برای نبرد وجود دارد ولی امر ، امر شما است .

بلقیس گفت که من قولم را با مشاوره دنبال می کنم و تا الان هیج کاری را بدون هماهنگی و شور و مشورت با شما امرای حکومت و نظامیان قدرتمند انجام ندادم.

اشاره ما به بحث بلقیس و سلیمان که از همه ابعاد موضوع را بررسی می کنیم هدف این است که قرآن هم به مباحثی از تاریخ گذشتگان در بحث شور و شورا دقت نظر دارد و به رسمیت می شناسد و نقد می کند و برجسته می کند تا بتوانیم استفاده تاریخی کنیم .

امروز به آیه ی 15سوره ی قصص رسیدیم که از آیه 15تا 25به این نکات اشاره می کند .

داستان مربوط به حضرت موسی (ع) است در داستانی که ایشان وارد شهر مصر شدند و اعلام توحید کرد در مقابلش فرعونیان او را تعقیب می کنند .

بنی اسرائیل دو گروه شدند

عده ای موحد هستند و گرایش دارند

عده ای مقابله می کنند

عده ای هم از ترس فرعون سکوت را انتخاب کرده اند .

این آیات به این صورت اشاره می کند

و دخل المدینه علی حین غفله من اهلها

که حضرت موسی بدون خبر مردم وارد شهر مصر شدند

فوجد فیها رجلین یقتتلان

دو مرد را دیدند که باهم در گیر هستند و با هم نبرد می کنند و ( هذا من شیعته ) یکی از شیعیان حضرت موسی ( و هذا من عدوه ) و یکی هم از دشمنان حضرت موسی بودند یعنی یک آدم موحد و یک آدم غیر موحد با هم درگیر بودند ( فاستغاثه الذی من شیعته ) تا چشم آن مرد موحد به حضرت موسی افتاد حضرت را شناخت و از ( علی الذی من عدوه ) حضرت کمک خواست و یار و ناصر او باشد

فوکزه موسی فقضی علیه

حضرت موسی وارد عرصه درگیری شد و مشت محکمی بر سر آن مرد غیر موحد کوبید و این مشت محکم حضرت باعث مرگ آن مرد غیر موحد شد

قال هذا من عمل الشیطن انه عدو مضل مبین

حضرت موسی وقتی این صحنه را دید بهت زده شد و گفت این کار ،کار شیطان بوده است و ما قصد کشتن شخصی را نداشته ایم که از ویژگی های شیطان (عدو مضل مبین ) دشمن گمراه گر آشکار است

شیطان یا دشمنی اش آشکار است یا گمراهی این دشمن آشکار است

قال رب انی ظلمت نفسی

حضرت موسی متاثر شدند و گفتند خدایا من به خودم ستم کردم

فاغفر لی

خدایا من را بیامرز قصد کشتن این شخص را نداشتم از روی سهو بوده است و انگیزه آن نفسانی نبوده و جهت حمایت از آن مرد موحد بوده است

فغفر له انه هو الغفور الرحیم

خداوند حضرت را بخشیدند که پروردگار بسیار آمرزنده و مهربان است

قال رب بما انعمت علی فلن اکون ظهیرا للمجرمین

حضرت موسی خطاب به خداوند عرض کردند من به احترام این نعمت و قدرتی که به من عطا کرده اید با تو عهد می بندم که هیچ گاه از این قدرت و قوت استفاده نکنم و یار گناهکاران و مجرمین و خطاکاران نباشم

فاصبح فی المدینه خائفا یترقب

حالا حضرت با ترس صبح کرد باز دوباره صحنه ای را دید

فادا الذی استنصره بالامس یستصرخه

همان شخصی که دیروز از حضرت کمک خواسته بود مجددا با یک شخص دیگری در گیر شده است و حضرت را به کمک طلبید

قال له موسی انک لغوی مبین

حضرت به آن شخص گفت تو چقدر اغواگر آشکاری هستی دیروز ما را اغوا کردی و امروز هم دوباره

در اینجا غوی با ق نیست با غ از اغوا می آید یعنی تحریک کننده ،اغوا کننده

فلما ان اراد ان یبطش بالذی هو عدو لهما

 حضرت تصمیم گرفت که باز هم کمک کند

قال یموسی اترید ان تقتلنی

که ناگهان آن شخصی که مورد هجوم قرار گرفته بود گفت ای موسی تو می خواهی مرا بکشی

کما قتلت نفسا بالامس

همانطور که دیروز یکی راکشتی

ان ترید الا ان تکون جبارا فی الارض و ما ترید ان تکون من المصلحین

تو فقط می خواهی در روی زمین جبار و قدرتمند باشی و نمی خواهی اصلاح گر باشی و قصد اصلاح نداری .